

آموزش معارف قرآن (۱)

مؤلف:

سیدمحسن میرباقری

این کتاب توسط شورای دارالقرآن اداره کل پرورشی بنیاد شهید انقلاب اسلامی طراحی و تنظیم شده است.

نام کتاب: آموزش معارف قرآن (۱)

مؤلف: آقای سید محسن میرباقری

با همکاری: آقایان محمدعلی جواهریان، علی سحرخیز، سیدمهدی سیف،

صاد شریفی و مسعود وکیل

تصحیح متن: آقایان محمدرضا آینت، محمد قدوسی و محمود کریمی

طراح جلد: آقای غلامعلی طاهری

حروفچینی: آقایان محمد پاینده، مهدی قاجارگیر و خانم ریاحی

ناشر: نشر شاهد

لینوگرافی چاپ و صحافی: چاپخانه سازمان فرهنگی سیاحتی کوثر

نوبت چاپ: اول تابستان ۱۳۷۷

تیراژ: ۱۳۰۰۰

آدرس ناشر: تهران - خیابان طالقانی - تقاطع شهید سیدعباس موسوی (فرصت)

ساختمان معاونت پژوهش و تبلیغات بنیاد شهید انقلاب اسلامی - تلفن: ۸۳۷۲۴۶-۷

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص معاونت فرهنگی بنیاد شهید انقلاب اسلامی است.

فهرست مطالب

سخنی با دبیران، مربیان و قرآن آموزان گرامی ۵	
درس اول	در پیشگاه قرآن ۱۱
درس دوم	ویژگیهای قرآن کریم ۲۰
درس سوم	قرآن و فلاح انسان ۲۸
درس چهارم	انسان در زندگی دنیا ۳۶
درس پنجم	زندگی دنیا از دیدگاه قرآن کریم ۴۴
درس ششم	اولین انسان در بوته آزمون ۵۲
درس هفتم	سومین شریعت الهی ۶۰
درس هشتم	اقوام پس از حضرت نوح (ع) ۶۸
درس نهم	قوم نجات یافته ۷۵
درس دهم	دومین شریعت الهی ۸۳
درس یازدهم	خانه کعبه، اولین پایگاه توحیدی برای مردم جهان ۹۰
درس دوازدهم	سومین شریعت الهی ۹۸
درس سیزدهم	چهارمین شریعت الهی ۱۰۸
درس چهاردهم	ویژگیهای قوم بنی اسرائیل ۱۱۷
درس پانزدهم	هدف ارسال پیامبر ۱۲۶
درس شانزدهم	درسهایی از مکتب پیامبران ۱۳۲
درس هفدهم	آخرین شریعت و اصلاح جهانی ۱۴۱

درس اول

در پیشگاه قرآن

در این درس آشنا می شویم با :

۱ - اهمیت و ارزش قرآن کریم

۲ - نقش قرآن در پاسخ به بنیادی ترین پرسشهای انسان

۳ - محورهای چهارگانه هدایت قرآن (باتوجه به آیه ۱۵ و ۱۶

سوره مائده)

۴ - نقش قرآن کریم در خیر و سعادت فردی و اجتماعی انسان

۵ - شیوه ارتباط و انس با قرآن کریم برای دستیابی به آثار تربیتی آن

کتاب زنده

-۲-

آن کتاب زنده قرآن حکیم ***حکمت او لایزال است و قویم

نسخه اسرار تکوین حیات ***بی ثبات از قوتش گیرد ثبات

نوع انسان را پیام آخرین *** حامل او رحمة للعالمین

رهزنان از حفظ او رهبر شدند *** از کتابی صاحب دفتر شدند

تا دلش از گرمی قرآن تپید *** موج بی تابش چو گوهر آرמיד

گر تو می خواهی مسلمان زیستن *** نیست ممکن جز به قرآن زیستن

اقبال لاهوری

بیان آیات

قرآن کریم، والاترین هدیه الهی برای انسان است. این هدیه آسمانی، در جامعه انسانی انقلابی بزرگ به ارمغان آورد. به گواهی تاریخ، پیش از رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) و نزول قرآن، جوامع بشری در جهل و خرافه به سر می بردند و در گرداب شرک غوطه ور بودند. نزول قرآن در حجاز و دیگر سرزمینها، نور حقیقت را جلوه گر ساخت و

ظلمتها را زدود، میزان عدالت را به جامعه انسانی ارزانی داشت و طریق رستگاری را بدانها آموخت و در راستای بندگی خدا، با روشن نمودن مسیر ایمان راستین و عمل صالح، راه فلاح و رستگاری را به انسان نشان داد. در عظمت قرآن کریم و جایگاه بلند آن، همین بس که قرآن پایان بخش کتاب های آسمانی و کلام آخر الهی و حجّت جاویدان خدای رحمان، تابرپایی قیامت، بر همه جهانیان است؛ و یکی از دو یادگار رسول گرامی اسلام می باشد که آن حضرت، رستگاری و هدایت را در سایه تمسک به آن دو تضمین نموده اند.

خدای سبحان در آیات بسیاری، قرآن را معرفی کرده و درباره آن نکات روشنگری را بیان فرموده است. اینک به پاره ای از این نکات که در آیات درس آمده است، توجه می کنیم.

-۳-

الف - قرآن کریم نور است و روشنگر حقایق

قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ مائده ۱۵

این کتاب و نور الهی بر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نازل شده، تا مردم را از ظلمتها برهاند و آنان را به سوی نور بخواند. (۱) قرآن کریم با هدایت و روشنگری خود مهمترین مسائل و نگرانی های انسان را، که در تاریخ حیات خود با آن مواجه بوده است، مورد بحث قرار می دهد و آن گونه به بیان حقایق می پردازد که رهروان و دلدادگان به حقیقت را به حق و اصل می گردانند و به آرامش دل می رساند. قرآن به شیوه های گوناگون، با مخاطب قرار دادن عقل و فطرت پاک انسانی، عمیق ترین پرسشهای جاودانه بشری را پاسخ داده است، پرسشهایی که از وراء تمامی عصرها و نسلها همواره اندیشه بلند این موجود خاکی را به خود مشغول داشته، و نردبان کمال خویش را در دستیابی به پاسخ صحیح بدان می جسته است. به عنوان نمونه همیشه انسان در این اندیشه بوده است که:

۱ - منشأ جهان و پدیده های آن و به ویژه انسان چیست و چرا این

- دستگاه عظیم آفرینش، با این همه نظم و دقت پدیدار گشته است؟
- ۲ - چه عقل و حکمتی، اداره جهان را بر عهده دارد که این چنین شگفت انگیز و هماهنگ است؟ و در این راستا چه هدفی دنبال می شود؟
- ۳ - آفرینش انسان از کجا و چگونه آغاز شده است و سرانجام حیات انسان چیست؟
- ۴ - انسان پس از مرگ چه سرنوشتی خواهد داشت؟ و چگونه از حیاتی جاودانه برخوردار است؟
- ۵ - رستگاری انسان در چیست؟ آیا تنها بهر هوری های مادی و لذائذ

— سوره ابراهیم، آیه ۱: كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

-۴-

- جسمانی می تواند سعادت بخش انسان باشد و یا این که سعادت انسان در گرو امور دیگری است؟ آن امور چیست؟
- ۶ - آیا انسان در این مجموعه سراسر منظم و حساب شده، در پیشگاه خالق مسئولیتی بر عهده دارد؟ اگر چنین است این مسئولیت چیست؟
- ۷ - انسان در برقراری حق و عدالت، عفت و طهارت در اجتماع و در ارتباط با خویشتن، چه باید انجام دهد؟ و نسبت به غرایز و امیال خویش چه وظیفه ای دارد؟
- انسان در برابر این پرسشهای بنیادی و سرنوشت ساز، بدون رهنمود وحی الهی به هر سو که رو کند و به هر ریسمان که در آویزد، جز وحشت و سرگردانی او را نصیبی نیست، و به قول حافظ:
- از هر طرف که رفتم جز وحشتم نیفزود***زنهار ازین بیابان وین راه بی نهایت

قرآن - کلام روشنی بخش خدای رحمان - با عالیترین بیان، و در زیباترین صورت، پرده از چهره حقیقت برمی دارد تا هر انسان جویای حق را به ساحل امن و یقین برساند. از این رو، قرآن «نور» است که راه حق را برای پویندگان آشکار ساخته و «روشنگر» است که حق را از باطل و نجات و رستگاری را از زیانمندی و تباهی باز می شناساند.

ب - قرآن کریم کتاب هدایت است

يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ مَائِدَه ۱۶

-۵-

قرآن کتاب هدایت انسان است، هدایت به تمامی راههای خیر و سلامت، سلامت و سعادت دنیا و آخرت. قرآن در این آیه شریفه، چهار محور هدایت را نشان داده است:

۱ - هدایت کننده، که خدای رحمان است (يَهْدِي بِهِ اللَّهُ).

۲ - وسیله هدایت، که قرآن است (يَهْدِي بِهِ).

۳ - هدایت شونده، و آن، کسی است که در پی رضوان و خشنودی خداوند باشد (مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ).

۴ - مقصود هدایت، که دستیابی به راههای سلامت است (سُبُلَ السَّلَام).

پس خدای رحمان چشم هر انسانی را که با قرآن سر به راز دارد و در جستجوی رضایت و خشنودی خداوند است، به راههای امن و سلام می گشاید و

در طول زندگی راه حق را بدو می نمایاند و او را از گمراهی می رهاند.

ج - قرآن کریم مبارک است و رحمت

کِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ ص ۲۹

واژه «مبارک» و «برکت» در قرآن کریم، بیشتر درباره خیرات و برکات زندگی و آبادانی به کار رفته است؛ (۱) قرآن نیز «مبارک» نامیده شده است. پس هر کجا جلوه ای از قرآن باشد، آنجا برکات الهی خواهد بود، و گذشته از آثار هدایتی و معنوی، قرآن کریم با خود برکات ظاهری را نیز به ارمغان خواهد آورد. پس هر گاه مسلمانان توجه بیشتری به قرآن داشته باشند، رحمت فزونتری از ناحیه خدای سبحان بر آنان

- مانند آیه ۱۸ سوره سبا: «الْقُرْآنُ الَّذِي بَارَكْنَا فِيهَا» و آیه ۱ سوره اسراء: «... إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ»

-۶-

نازل خواهد گشت، چنانکه در آغاز تاریخ اسلام چنین بود، برکت قرآن برای مسلمانان تا بدان حد بود که سیادت و سربلندی ظاهری و باطنی را بر آنان ارزانی داشت.

در عصر حاضر نیز به دنبال بازگشت مسلمانان به قرآن و توجه به نقش حیاتی آن در تأمین سعادت انسان، شاهد تحولی عزت آفرین در جوامع اسلامی هستیم.

در احادیث می خوانیم:

« هر کس کارهای خود را با قرآن پیوند دهد، خداوند مصونش

دارد؛ هر کس به قرآن تمسک جوید خدایش حفظ فرماید؛ و

هر کس از قرآن شفا خواهد درمان یابد. «(۱)

« خانه ای را که بنده مسلمان در آن قرآن بخواند، فرشتگان

آسمان به یکدیگر نشان دهند، آنچنان که ساکنان دنیا ستاره

درخشانی را به یکدیگر می نمایانند. «(۲)

« خداوند قلبی را که ظرف قرآن باشد عذاب نخواهد کرد. «(۳)

د - قرآن کریم شفا و درمان است

قرآن کریم شفا بخش دردهای دل انسان است. هر دلی که با قرآن بپیوندد از پلیدیها دور گردد، قلبی که با قرآن انس گیرد نورانی شود و از آلودگیها برهد، آن کس که به قرآن دل سپارد از بدیها دل برکند و از کینه توزی، حسد، کبر، خودخواهی، حرص و مال دوستی و از هر صفت ناپسندی پاک شود. بر ماست که برای بهره مندی هر چه بیشتر از نور، هدایت، موعظه، رحمت،

- بحار ج ۸۹ ص ۳۱ حدیث ۳۴، از سخنان رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)

- اصول کافی، کتاب فضل قرآن، از سخنان امام صادق (علیه السلام)

- بحار ج ۸۹ ص ۱۹، از سخنان حضرت علی (علیه السلام)

-۷-

برکت و شفای قرآن، در حدّ توان با آن مأنوس شویم؛ قرآن را تلاوت کنیم و بیاموزیم که چگونه آیات و عبارات آن را معنا کنیم؛ با تدبّر در آن اندیشه خود را بارور سازیم و پاسخ هر سؤال اساسی را از آن بخواهیم؛ ذائقه خویش را از حلاوت قرآن بهره مند گردانیم و قلب و فکرمان را به این نور الهی بسپاریم تا به رستگاری عظیم نایل آییم.

صبح خیزی و سلامت طلبی چون حافظ*** هر چه کردم همه از دولت قرآن کردم

\$ پرسش

- ۱ - چهار محور هدایت که در آیات درس آمده است، چیست؟
- ۲ - نامها و صفت‌هایی که در آیات درس درباره قرآن آمده است، چه می باشد؟
- ۳ - واژه «مبارک» در قرآن کریم بر کدام دسته از رحمت‌های الهی دلالت بیشتری دارد؟

G پژوهش

- ۱ - آیات ۶۳ تا ۷۵ سوره فرقان را مطالعه نمایید و از ویژگی‌های بندگان خاص خداوند، پنج مورد را ذکر کنید.
- ۲ - از نامها و صفت‌هایی که در قرآن کریم برای خود این کتاب آمده است، پنج مورد را با مراجعه به آیات اول سوره های یوسف، فرقان، و آیه ۶۹ سوره یس و آیه ۷۷ سوره واقعه بنویسید.

درس دوم

ویژگیهای قرآن کریم

در این درس آشنا می شویم با :

- ۱ - ویژگیهای قرآن در میان کتابهای آسمانی
- ۲ - معجزه رسمی و سند نبوت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)
- ۳ - دعوت قرآن از همگان برای آوردن همانندی برای آن (تَحَدّی)
- ۴ - دین و کتاب جهانی و جاودانه
- ۵ - حفظ و حراست الهی از قرآن مجید

-۹-

بیان آیات

قرآن - کتاب آسمانی اسلام - ویژگیهای مخصوص به خود دارد که هیچ کتابی، حتی سایر کتب آسمانی از آن برخوردار نیستند. موارد زیر از این گونه است :

- ۱ - قرآن کریم معجزه و سند نبوت پیامبر گرامی اسلام
پیامبران سفیران راستین خدای سبحانند، اینان پیام الهی را از طریق وحی دریافت می کنند و به جامعه بشریت ارائه می نمایند، رسولان الهی اعلام می دارند که با عالم غیب در ارتباط هستند، این ارتباط دلیل می خواهد و چون ادعایی فو العاده است، دلیل فو العاده طلب می کند.
خدای رحمان خود پیشاپیش، دلیل و نشان در اختیار پیامبران قرار می دهد که صحت گفتارشان روشن گردد. چنانکه حضرت موسی (علیه

السلام)، هنگامی که در وادی طور، به رسالت برگزیده شد، به فرمان ربوبی عصای خویش بر زمین افکند، بناگاه عصا به ماری جنبان و ترسناک بدل شد؛ دست خویش را به گریبان برد، چون برون آورد سپیدی دلنشینی از آن نمایان گشت. آنگاه بدو خطاب شد که:

« اینها دو برهان و دلیل برای رفتن به سوی فرعون و سران

قوم او، از ناحیه پروردگار تو است. » (۱)

با افکندن همین عصا بود که حضرت موسی (علیه السلام) در صحنه مبارزه با ساحران فرعون بر آنها پیروز شد و چون آنان دریافتند که آنچه موسی دارد سحر نیست، به او ایمان آورده و در پیشگاه ربوبی به سجده افتادند.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) آخرین و برترین پیامبر الهی است که والاترین معجزه و آیت را باید به همراه داشته باشد. آیت و دلیلی را که خدای رحمان در اختیار پیامبر اکرم

- قصص ۳۲

-۱۰-

قرار داد و آن را نشان و معجزه و سند پیامبری آن حضرت خواند، همین قرآن است. (۱) قرآنی که تا برپایی قیامت، سند و معجزه زنده و جاوید پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) خواهد بود.

پس قرآن کریم، از این جهت با دیگر کتابهای آسمانی متفاوت است. حقانیت آن کتابها به دلیلی دیگر روشن می شد، ولی قرآن، خود گواه بر حقانیت خویش و بر رسالت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) است.

قرآن کریم، به همین امر « تَحَدَّى » فرموده؛ یعنی همگان را به آوردن همانند قرآن فراخوانده است، و صریحاً اعلام می دارد که:

« اگر تمامی جنّ و انس گرد هم آیند، و همه توان خویش را به کار گیرند، تا همانندی برای قرآن آورند، هرگز نتوانند. »
 قرآن کریم برای نشان دادن ناتوانی کامل بشر از آوردن همانندی برای قرآن، می فرماید اگر می توانید ده سوره (۲) و حتی يك سوره مانند قرآن بیاورید و باز تأکید می کند که :

« هرگز از عهده چنین کاری - آوردن يك سوره مانند قرآن - بر نخواهید آمد. » (۳)

آری، حق همین است، اگر افراد بشر می توانستند همانندی برای يك سوره قرآن بیاورند، مخالفین اسلام، در چهارده قرن که از عمر این کتاب الهی می گذرد

- البته رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) معجزات و کرامات فراوانی داشته اند که در کتب مربوطه، تا ۱۴۰۰ مورد ذکر شده است. اما معجزه جاویدان آن حضرت که برای همه زمانها به عنوان سند نبوت اعلام شده است، قرآن کریم می باشد.

- هود ۱۳

- بقره ۲۴

-۱۱-

دست به کار می شدند، تا صولت قرآن را بشکنند؛ و در آن صورت اکنون شاهد دهها و صدها کتاب و نوشتار بودیم، که مدّعی برابری با قرآن باشند و نسخه های آن از سوی دشمنان پخش شده باشد و کوچه و بازار کشورهای اسلامی و غیر اسلامی از آن پر باشد، اما آیا اکنون حتی يك کتاب که چنین ادعایی داشته باشد می توان یافت؟!

۲ - قرآن کریم کتاب جهانی و جاودانه

قرآن آخرین کتاب الهی است که جامعه انسانی را مخاطب خویش قرار داده (۱) و پیامبر اسلام را آخرین پیامبر الهی و رسول خدا بر همه جهانیان معرفی نموده است. (۲) از آنجا که خدای رحمان قرآن کریم را آخرین سخن الهی و پایان بخش کتابهای آسمانی قرار داده، سخن خویش را با بشریت به آخر رسانیده و چیزی را در آن فروگذار نکرده است. در حالی که گروه خاصی از انسانها، در زمان محدودی، مخاطب کتابهای آسمانی قبل بودند. از این رو به یقین قرآن کریم کاملترین و برترین کتاب آسمانی است (۳) و پیامبر اسلام خاتم پیامبران و افضل آنان و شریعت اسلام پایان بخش شریعتها است. (۴)

— يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ; يونس ۵۷

— مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ; احزاب ۴۰

— وَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَ مُهَيِّمًا عَلَيْهِ; مائده ۴۸

— قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا; اعراف ۱۵۸

-۱۲-

نقش قرآن چون که بر عالم نشست ***نقشه های پاپ و کاهن را شکست فاش گویم آن چه در دل مضمَر است*** این کتابی نیست، چیزی دیگر

است

چون که در جان رفت، جان دیگر شود***جان چو دیگر شد، جهان دیگر
شود
بامسلمان گفت جان برکف بنه***هر چه از حاجت فزون داری بده
اقبال لاهوری

۳ - قرآن کریم کتاب محفوظ و جاویدان

حفظ قرآن را خدای سبحان خود مستقیماً بر عهده گرفته و صریحاً فرموده
است:

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ حَجْر ۹

بااین وعده الهی اطمینان می یابیم که تمامی همین قرآنی که در دست مردم
است، همان قرآنی است که بر پیامبر اکرم نازل شده است و برای ابدیت
تاریخ، در گذشته و آینده، در حفظ و حراست پروردگار بزرگ بوده و از هر
گزندی در امان خواهد بود؛ و جامعه انسانیت همواره این هدیه عظیم الهی را
بدون هیچ فزونی و کاستی در اختیار خواهد داشت.

-۱۳-

\$ پرسش

- ۱ - تحدّی به چه معناست و قرآن کریم به چه مقدار از این کتاب تحدّی
نموده است؟
- ۲ - اگر قرآن کریم معجزه نبود، مخالفان تاکنون باید چه کرده باشند؟
- ۳ - خداوند درباره حفظ قرآن چه وعده ای داده است؟ و از آن چه

نتیجه ای گرفته می شود؟

G پژوهش

۱ - آیه ۸۳ سوره نساء را به دقت مطالعه نمایید، چه جهتی از اعجاز قرآن در آن مورد توجه قرار گرفته است؟

۲ - با مراجعه به کتاب الْمُعْجَمُ الْمُفْهَرَسُ (۱) آیه «إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ» را در قرآن کریم پیدا کنید؛ و با توجه به آیات قبل از

آن

بیان نمایید که از این آیه چه نتیجه ای درباره قرآن گرفته می شود.

- کتاب «المعجم المفهرس» وسیله بسیار مناسبی است که برای یافتن آیات مورد نظر از قرآن کریم تنظیم شده است. شیوه کار این کتاب بر اساس ریشه کلمات می باشد. کافی است که يك کلمه از آیه ای را مدّ نظر داشته باشید، به ریشه آن کلمه در معجم مراجعه نموده سپس آن کلمه را پیدا کنید، آنگاه در بین آیاتی که آن کلمه را در بر دارند آیه مورد نظر خود را به دست آورید.

-۱۴-

درس سوم

قرآن و فلاح انسان

در این درس آشنا می شویم با :

- ۱ - فلاح و سعادت انسان از دیدگاه قرآن کریم
- ۲ - نقش ایمان و عمل صالح در دستیابی به فلاح
- ۳ - اهمیت و جایگاه نماز در بین اعمال صالح
- ۴ - دیدگاه قرآن درباره زندگی انسان و نقش دنیا در تربیت و آزمون او

-۱۵-

بیان آیات

از مهمترین و حساس ترین مسائل هر انسانی آن است که سعادت و فلاح او - و به طور کلی فلاح انسان - در چیست؟ چه راهی را باید بیوید و چه عملی را انجام دهد تا به این فلاح و رستگاری نایل آید؟
قرآن کریم در این باره به روشنی بیان کرده است که رستگاری آدمیان در گرو دو چیز می باشد و آن ایمان و عمل صالح است؛ به گونه ای که انسان بدون این دو، در خسران دائمی خواهد بود.

ایمان یعنی اعتقاد به خداوند و پذیرش مسائل مربوط به عالم غیب مانند ملائکه و اعتقاد به پیامبران و لزوم اطاعت از آنها و اعتقاد به جهان آخرت و

«وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفِرُّ
بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ» بقره ۲۸۵

و پس از ایمان، انجام اعمال صالح و کارهای شایسته، شرط لازم برای

دستیابی به رستگاری است.

قرآن کریم در آیاتی از سوره مؤمنون - که در این درس آمده - درباره اعمال صالح سخن گفته است. نکته قابل توجه آن که قرآن اولین عمل صالح مؤمنان را خشوع در نماز معرفی می کند و آخرین سخن هم محافظت بر نماز است. گویا کارهای شایسته باید با نماز آغاز شود و به نماز هم پایان پذیرد؛ و بدین شکل نماز مهمترین عمل معرفی می شود. پس از نماز چند مسأله دیگر بیان شده، که گویا اساس و بنیان زندگی ایمانی هستند. این امور عبارتند از:

۱ - روی گردان بودن از لغو و بیهودگی که خود لازمه حیات طیب انسانی و رمز موفقیت اوست.

۲ - پرداخت زکات، که از اساسی ترین معیارهای برقراری عدالت و حق در اجتماع است. (۱)

۳ - حفظ دامن که سلامت ایمان مؤمن و قداست حریم اجتماع، بدون آن میسر نیست.

۴ - وفای به عهد، که مبنای اعتماد و روابط صحیح مردم در جامعه است و بدون آن هیچ امر اجتماعی استقرار و دوام نمی یابد.

مراد از رستگاری انسان - در قرآن کریم - همانا خشنودی خدای رحمان از او و دست یافتن به بهشت رضوان و جاوید ماندن در آن است. از این رو قرآن دست یافتن به بهشت را «فوز عظیم» می داند.

بنابر آنچه گذشت، زندگی دنیا از دیدگاه قرآن کریم، در حکم آموزشگاه یا مدرسه ای است که افراد بشر به نوبت بدان راه می یابند، تا در آن، مورد تعلیم و تربیت الهی قرار گیرند، و راه حق را - که همان بندگی خدای سبحان است - بیابند. در این راستا همواره در معرض آزمون واقع می شوند تا پس از گذران این دوره و دریافت نمره و تعیین درجه - برای زندگی ابدی - از این جهان خارج گردند، و بازنده شدن مجدد به صحنه حساب و کتاب قیامت وارد شوند؛ و در پایان آنان که از آزمون دنیا روسپید بر آمده باشند، به بهشت جاویدان در آیند و روسیاهان به کیفر دائمی دچار گردند.

بسی به دیده حسرت ز پس نگاه کند***کسی که برگ قیامت زپیش
نفرستاد
سعدی
روسپیدی انسان در قیامت در گرو آن است که در زندگی دنیا دو شرط را
رعایت نماید.

—
البته مسأله زکات به عنوان طهارت نفس نیز می تواند مورد نظر باشد.

-۱۷-

اولاً، در مدرسه تربیتی انبیاء شرکت کند و ثانیاً، در عمل به رهنمودهای
شریعت الهی و انجام کارهای خیر مبادرت نماید.
قیامت که بازار مینو نهند***منازل به اعمال نیکو دهند
سعدی

در روایات اسلامی آمده است: «بِالدُّنْيَا تَحْرَزُّ الْأَخِرَةَ» (۱) یعنی به
وسیله دنیا، آخرت به دست می آید.
و در نهج البلاغه می خوانیم:

«دنیا مسجد اولیای خدا، نمازخانه ملائکه خدا، فرودگاه
وحی الهی و تجارتخانه اولیای خداست. اینان در این خانه -
دنیا - رحمت خدای را کسب می کنند، و در این تجارت،
بهشت سودی است که عایدشان می شود.» (۲)

—
میزان الحکمة ج ۳، به نقل از بحار الانوار و نهج البلاغه

— نهج البلاغه، حکمت ۱۲۶ صفحه ۱۴۸

-۱۸-

\$ پرسش

- ۱ - در قرآن کریم در مقابل « فلاح » چه واژه ای به کار رفته است؟
- ۲ - با توجه به آیات سوره عصر بیان نمایید که مکمل ایمان و اعمال صالح چه کاری است؟
- ۳ - چند مورد از اعمال صالح را که قرآن کریم نام برده است به خاطر دارید؟ آنها کدامند.

G پژوهش

آیات ۱۹ تا ۳۵ سوره « معارج » را مطالعه نمایید، و با آیات سوره مؤمنون که در درس آمده است مقایسه کنید (مشترکات و اضافات را بنویسید).

-۱۹-

درس چهارم

انسان در زندگی دنیا

در این درس آشنا می شویم با :

- ۱ - ابعاد مختلف و متضاد در انسان و علت آن
- ۲ - اختیار انسان در انجام کارهای شایسته و ناشایست
- ۳ - تشکیل مدرسه دنیا به منظور تربیت و آزمون انسان
- ۴ - دو چراغ عقل و وحی در شناخت خیر و سعادت و راه بندگی و اطاعت

خداوند

- ۵ - نتیجه آزمون انسان در سرای آخرت

-۲۰-

بیان آیات

در درس پیش خواندیم که دنیا به منزله مدرسه ای است که برای تربیت و آزمون انسان تشکیل شده است تا آدمی راه بندگی خدای سبحان را بیاموزد و با اختیار و گزینش خویش این راه را بپوید و به رشد و کمال نایل آید. اما می بینیم که شرکت در هر مدرسه و کلاس شرایطی دارد، شرایطی متناسب با اهداف آموزشی آن. از این رو باید انسان در دنیا به گونه ای باشد که در انجام کارهای مختلف امکان گزینش و انتخاب داشته باشد. به همین جهت خداوند در آفرینش انسان دو بُعد متفاوت یا دو دسته گرایشهای مختلف به ودیعت نهاده است: بُعدی ملکوتی و نورانی و بُعدی جسمانی و حیوانی.

بُعد ملکوتی انسان در قالب گرایشهای فطری و معنوی جلوه گر می شود، که سرآمد آنها فطرت توحیدی و گرایش به سوی معبود یکتا و روح پرستش

است. همچنین گرایش به حقیقت جویی و جستجوگری، و گرایش به عدالت و تنقیر از ظلم و گرایش به خیرخواهی و وجود عواطف انسانی و گرایش به علم و فضیلت و مانند اینها.

بُعد حیوانی انسان نیز در قالب گرایشهای غریزی است که به صورت قوای نفسانی شهوت و غضب جلوه می کند و گاه در شکل صفاتی همچون حسد، حرص، بخل، کینه توزی، خودخواهی و ... بروز می نماید.

هر چند وجود این قوا در انسان ضروری است، و حتی بقای حیات انسان

در

گرو این قوای نفسانی می باشد، اما نکته مهم آن که، این صفات در انسان زمینه ساز گزینش و انتخاب هستند. آفرینش دو بُعدی انسان تربیت و آزمون را ممکن می سازد. زیرا اگر تنها تمایلات حیوانی در انسان می بود، حاکمیت آنها بر انسان

-۲۱-

قطعی می گشت و در حقیقت راه از پیش تعیین شده بود و دیگر انتخاب معنا نداشت، چنان که حیوانات همین گونه اند. آنها فقط به حکم غریزه عمل می کنند و یک راه در پیش دارند. عکس آن هم چنین است، اگر انسان مانند فرشتگان تنها دارای گرایشهای معنوی و ملکوتی می بود باز هم انتخاب و آزمون چندان معنا پیدا نمی کرد. وجود این دو دسته تمایلات و کششهای مختلف است که آدمی را همواره بر سر دو راهی قرار می دهد و آزمون را جدی می سازد. روزی بر ما نمی گذرد که در آزمونی نباشیم و زمینه ای برای تحریک شهوات نفس و غضب بر انسان عرضه نگردد.

در هنگام مواجه شدن با کششهای نفسانی، غوغایی در درون آدمی پدیدار می شود. انسان مؤمن از طرفی میل به برآوردن تمایلات نفس خویش دارد، و از

سویی خواهان دست یافتن به مراتب بلند معنوی است؛ ولی می داند که رشد

معنوی بدون کنترل نفس میسر نیست. اینجاست که آدمی بر سر دو راهی می ماند و به گزینش یکی از دو خواسته ناچار می شود. مثلاً آنگاه که فرد مؤمن در برابر صحنه ای از لذت و هوس قرار بگیرد که مورد پسند خدا نیست، دو خواسته در مقابل خود می بیند، کششی به سوی لذت و هوس و آرمانی در رسیدن به درجات ایمانی، و این دو با یکدیگر در تضادند. البته انسان مؤمن می داند که کمال و رشد او در چشم پوشی از خواهشهای نفسانی نهفته است و نیز می داند که او امر و نواهی الهی دستوراتی حکیمانه اند که نفع آنها به خود انسان باز می گردد. و حتی آنجا که سخن از بندگی خدا است، تنها بنده سود می برد و کمال می یابد، زیرا ذات احدیت از بندگی ما و از هر چیز دیگری بی نیاز است. حال، بنده مؤمن در این تضاد و درگیری که درون نفس او ایجاد می شود چنانچه فرمان خدا را برگزیند، به حیات طیب دست می یابد.

-۲۲-

قرآن کریم به مؤمنان خطاب می کند که:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا
دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ أَنْفَال ۲۴

آری ارزش زندگی دنیا در همین است که بنده عارف به خاطر رضای معبود خویش، از لذتهای نفسانی حرام دست می شوید و دل برمی کند و رشد می یابد. در حقیقت وظیفه فرد مؤمن این است که بین قوا و امیال خویش، توازن و تعادل برقرار سازد، به گونه ای که از هر میلی بهره مشروع خود را ببرد و به دیگر امیال خویش تجاوز نکند. ولی اگر تنها به طرف امیال حیوانی رفت سقوط خواهد نمود.

خدای بزرگ در کنار این دو دسته گرایش، چراغ عقل را به انسان ارزانی داشته است تا حق را از باطل باز شناسد و خوب را از بد تشخیص دهد، همچنین شریعت و دین نورانی خویش را به دست پیام آوران

برگزیده اش بر انسان عرضه نموده است تا ایشان تمامی راههای خیر و سعادت را به وی تعلیم دهند و هر آنچه را که موجب شقاوت اوست، برایش نمایان سازند. بدین گونه انسان می تواند در روشنی کامل گام بردارد. (۱)

این چنین خدای بزرگ همه موجبات و زمینه های تربیت و آزمون را فراهم نموده است و از این پس نوبت انسان است که تصمیم بگیرد و راه بپوید. از این روست که شقاوت و سعادت انسان تنها در گرو انتخاب خود او است.

آدمیزاده طرفه معجونی است *** کز فرشته سرشته وز حیوان
گر رود سوی این شود به از این *** و شود سوی آن شود کم از آن
آیات سوره دهر که در آغاز درس آمد، بر تمامی این نکات اشاره می کند.
خداوند می فرماید: ما انسان را از نطفه ای آمیخته - از استعداد های مختلف
در

— لِيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ عَن بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَن بَيِّنَةٍ; انفال ۴۲

-۲۳-

جهت امیال گوناگون - آفریدیم، تا این که بدین وسیله او را در معرض آزمون قرار دهیم، و از این رو او را شنوا و بینا قرار دادیم. ما او را به راه هدایت نمودیم و خیر و شر را بدو آموختیم. از این پس تصمیم با اوست، یا شکرگزار خواهد بود یا کفر پیشه و ناسپاس.

این آیات به خوبی وجود اختیار و قدرت انتخاب را در انسان نشان می دهد، به گونه ای که اگر تنها همین آیه می بود، برای اثبات اختیار در انسان، از دیدگاه قرآن، کفایت می نمود.

نتیجه کلاس و درس

افراد بشر در زندگی دنیا به دو دسته تقسیم می شوند؛ شکرگزاران و

کفرپیشگان. کفرپیشگان در آخرت گرفتار عذاب می شوند و همه شکرگزاران اهل نجاتند و به بهشت رضوان راه می یابند؛ ولی اندکی از آنها هستند که در راه خدا پاک باخته اند و در انجام کارهای خیر پشتازند. اینان در قرآن، به عنوان مقربان بارگاه ربوبی قلمداد شده اند.

-۲۴-

\$ پرسش

- ۱ - چرا خداوند صفات و کششهای مختلفی را در انسان قرار داده است ؟
- ۲ - خلقت انسان از « نطفه امشاج » به چه معنا است ؟
- ۳ - مردم در مدرسه و آزمون دنیا به چند دسته تقسیم می شوند ؟
- ۴ - کدام يك از آیات درس مستقیماً بر اختیار انسان دلالت دارد ؟
توضیح دهید.

G پژوهش

- ۱ - از گرایشها و صفات مثبت و معنوی و گرایشهای حیوانی که در انسان قرار دارد، پنج مورد را بنویسید و اگر آیه ای را به خاطر دارید، بازگو نمایید.
- ۲ - آیات ۱۵۵ تا ۱۵۷ سوره بقره را مطالعه نمایید و نکات آن را يك به يك توضیح دهید.
- ۳ - دو آیه ۱۵ و ۱۶ سوره فجر را در مورد امتحان و آزمون انسان بررسی نمایید.

درس پنجم

زندگی دنیا از دیدگاه قرآن کریم

در این درس آشنا می شویم با :

- ۱ - نعمتهایی که خداوند برای بهره مندی و آزمون انسان در اختیار او قرار است.
- ۲ - ویژگیهای زندگی دنیا در جهت تربیت و آزمون انسان (محدودیت و ابتلاء).
- ۳ - فانی بودن زندگی دنیا و مقدمه بودن این زندگی برای حیات جاوید آخرت.
- ۴ - وظایف انسان در برابر نعمتها و سختیها (شکر، صبر و رضا).

-۲۶-

فضل خدا

فضل خدای را که تواند شمار کرد***یا کیست آن که شکر یکی از هزار کرد

آن صانع قدیم که بر فرش کاینات***چندین هزار صورت الوان نگار کرد

ترکیب آسمان و طلوع ستارگان***از بهر عبرتِ نظر هوشیار کرد
بحر آفرید و برّ و درختان و آدمی***خورشید و ماه و آنجم و لیل و
نهار کرد

اجزای خاکِ مرده به تأثیر آفتاب***بستان میوه و چمن و لاله زار کرد
توحید گوی او نه بنی آدم اند و بس***هر بلبلی که زمزمه بر شاخسار
کرد

سَر چيست تابه طاعت او بر زمین نهند***جان در رهش دریغ نباشد
نثار کرد
بخشنده ای که سابقه فضل و رحمتش***مارا به حُسن عاقبت امیدوار
کرد
سعدی
بیان آیات

خدای بزرگ پیش از آوردن انسان به مدرسه دنیا و برقراری کلاس درس
و
امتحان، امکانات لازم را برای وی تدارك دیده، آب را به میزان معین نازل
ساخته، گیاهان را رویانیده، امکانات غذایی را فراهم نموده و چهار پایان را
برای بهره‌وری انسان آفریده است. خلاصه آن که، هر آنچه برای زندگی و
تشکیل کلاس ضروری می باشد، آماده ساخته است. قرآن کریم تمامی این
امکانات را به عنوان زیب و زینت زمین معرفی می کند تا توسط آنها افراد
بشر در معرض درس و آزمون قرار گیرند و بتوانند به رشد و کمال نایل آیند:
« ما تمامی آنچه را که بر روی زمین است، زینت آن قرار
دادیم، تا مردمان را بیازماییم که کدام يك بهتر عمل می کنند. »
وظیفه انسان مؤمن این است که از این نعمتها در راه تزکیه نفس خویش و
انجام تکالیف الهی بخوبی استفاده کند، نه آن که به آنها دل بندد و مشغول و
سرگرم شود و از راه حق باز ماند.

-۲۷-

دنیا با تمامی نعمتها و زینتهایش، صرفاً دورانی گذرا برای انسان است،
تابرنامه ای را به انجام رساند، و رتبه خویش را در این مسابقه برای زندگی
ابدی، به دست آورد.
از آنجا که زندگی دنیا تربیت و آزمون است دارای ویژگیهایی است که به
مهمترین آنها اشاره می کنیم.

۱ - محدودیت نعمتها

می دانیم که در بهشت موعود، نعمتها بی اندازه و بدون حساب است، چنان که قرآن می فرماید :

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ۳۵

خداوند می فرماید بهشتیان هر چه بخواهند در بهشت آماده است، و افزونتر از آن نیز در نزد ما خواهد بود. حال سؤال این است که، چرا خدای مهربان، دنیا را همانند بهشت نیافریده است تا هر چه افراد بشر بخواهند براحتی در آن بیابند، در حالی که خداوند متعال هم بر انجام هر کاری تواناست و هم ذات مقدّسش از هر گونه بخل، پاك و مبرّاست.

این از آن روست که زندگی دنیا برای درس و آزمون است، دنیا آزمایشگاه است نه آسایشگاه. در محیط درس و کلاس، امکانات رفاهی کاملاً حساب شده است. مدرسه، هم با مجلس مهمانی متفاوت است و هم با زندان و شکنجه گاه. پس باید امکانات و نعمتها در دنیا، محدود و معین باشد، به گونه ای که لوازم زندگی را در اختیار بشر قرار دهد و آنچه ضروری است تأمین کند، اما بی حدّ و حساب نباشد. اگر نعمتهای دنیا بی حدّ و اندازه بود، زمینه برای تربیت و تزکیه نفس و انجام بسیاری از امتحانهای الهی وجود نداشت. زیرا در این صورت هر کس هر چه می خواست

-۲۸-

در اختیار داشت و دیگر انفا در راه خدا، اطعام گرسنگان، صبر بر کمبودها، تن ندادن به حرام، خویشتن داری از تجاوز به حقوق دیگران و... هیچ يك معنایی نداشت و انسان بر سر دو راهی آزمون قرار نمی گرفت و چه بسا جهاد در راه خدا به کلی منتفی می گشت و...

دنیا مَطْلَب، که نیست جاوید***بگذر ز وی و مدار امید
دنیا طلبی و حق پرستی***شرك است به نزد اهل توحید

چشم از همه جز یکی فروبند***یکدل نشد آن که جز یکی دید

سعدی

۲ - وجود ابتلاء

امور زندگی دنیا و مشکلات مختلف آن، جزء برنامه های الهی است و از مواد درسی برای تربیت انسان و بلکه از بالاترین آزمایشها و نردبانهای ترقی او می باشد. در نتیجه بالاترین نمرات و پاداش را کسانی خواهند داشت که در برخورد با این مشکلات، خود و دیگران را، از يك سو به صبر و پایداری و از سوی دیگر به حق و درستی سفارش می کنند. قرآن کریم فرموده است ما شما را با اموری مانند ترس، گرسنگی، کاستی در اموال و خویشان و کاستی در ثمرات مادی زندگی می آزمایشیم. در این آزمون صبر پیشگان را بشارت ده، آنان که چون مصیبتی بدانها روی آورد (به آزمایشی بودن زندگی دنیا توجه می کنند و قلب خویش را تسلی می بخشند و رضایت خویشان را از تقدیرات خدای بزرگ اعلام می دارند و) می گویند: «ما از خداییم و به سوی خدا باز می گردیم». هم اینان اند که درود و رحمت الهی بر ایشان خواهد بود و اینان اند که راه یافته اند (و به حقیقت زندگی و هدف آفرینش پی برده اند).

-۲۹-

روندگان طریقت ره بلا(۱) سپرند***رفیق عشق چه غم دارد از نشیب

و فراز

حافظ

کوتاه سخن آن که، خدای رحمان برای انسان، در شکلهای مختلف - او امر

و

نواهی و مصائب - برنامه و آزمون دارد؛ و انسان همواره تا پایان دوران زندگی در معرض امتحانهای الهی قرار دارد.

افراد بشر گروه گروه به این مدرسه راه می یابند، و دوره خویش را به پایان می برند و از آن خارج می شوند، تا در حیات مجدد، در سرای جاوید گرد آیند و اعمال خویش را ببینند و پاداش و کیفر آنها را دریافت کنند. آنگاه که همگان دوران خویش بگذرانند، خدای سبحان کلاس را به پایان می برد و امکانات حیات را از صحنه زمین محو می گرداند و سطح زمین را به خاکی بی حاصل بدل می سازد، زیرا همه این بساط فقط برای تشکیل کلاس بوده است، و حال که این دوران به پایان رسیده، باید زمین را برای برپایی صحنه قیامت آماده سازند.

– البته واژه «بلا» در قرآن کریم برای حوادث خیر و شر هر دو به کار رفته است، چنان که قرآن می فرماید: «وَنَبْلُوهُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَآلَيْنَا تُرْجَعُونَ» انبیاء، ۳۵

انسان مؤمن در برابر هر پیش آمد وظیفه ای دارد. به هنگام روی آوردن نعمت، وظیفه شکر و به کارگیری آن در راه خشنودی خداوند، و به هنگام پیش آمدن مصائب، وظیفه «صبر» و بالاتر از آن «رضا» را دارد. البته در همه حالات باید دست دعا به درگاه ربوبی بردارد تا خداوند نعمتش را فزونی بخشد و مصیبتش را بر طرف سازد، و خود انسان نیز در این راستا از تلاش و کوشش باز نایستد.

-۳۰-

\$ پرسش

- ۱ – آفرینش نعمتها و زینتهای روی زمین به چه منظور بوده است؟
- ۲ – مشکلاتی که در مسیر آزمون انسان در آیات درس ذکر شده کدام است؟

- ۳ - در درگاه ربوبی، صبرپیشگان چه پاداشی دارند؟
- ۴ - وظیفه انسان مؤمن در برابر نعمتها و مصیبتها چیست؟
- ۵ - آیا در برخورد با مصائب، جز صبر وظیفه دیگری هم داریم؟
- ۶ - اگر نعمتهای دنیا، همچون بهشت بسیار فراوان بود چه می شد؟

G پژوهش

- ۱ - با مطالعه و دقت در آیات ۲۰ تا ۲۵ سوره مبارکه روم،
الف - نعمتهای الهی را که در این آیات ذکر شده است بنویسید.
ب - به نظر شما ذکر نعمتهای الهی در این آیات به چه منظور است؟
- ۲ - با مراجعه به سوره مبارکه نحل، ده آیه را مشخص کنید که بیانگر نعمتهای الهی برای انسان است.

درس ششم اولین انسان در بوته آزمون

در این درس آشنا می شویم با :

۱ - داستان حضرت آدم (علیه السلام) به عنوان اولین انسان در بوته آزمون.

۲ - شباهتها و تفاوتهای آزمون آدم در بهشت با آزمون بنی آدم در دنیا.

۳ - درسهایی که از زندگی حضرت آدم - که بارها در قرآن بیان شده است - باید آموخت.

-۳۲-

بیان آیات

نمونه ای از کلاس و درس

خدای رحمان پیش از آفرینش انسانها در زمین، فرد برگزیده ای از آنان را به همراه همسرش در جایگاهی بس والا و پر نعمت پدیدار نمود و بدو خطاب فرمود:

« ای آدم تو و همسرت در این بوستان (۱) مسکن گزینید و از

نعمتهای آن هر چه می خواهید به فراوانی بخورید، تنها یک

درخت است که نباید بدان نزدیک شوید، که با خوردن از آن در

شمار ظالمان قرار خواهید گرفت. » (۲)

خداوند در اجرای فرمان، از آدم (علیه السلام) پیمان گرفت، (۳) و شیطان

را به آدم معرفی کرد و دشمنی او را با وی آشکار ساخت.

شیطان برای لغزاندن آدم (علیه السلام) و همسرش دست به کار شد؛ و با

نیرنگ و سوگند دروغ آن دو را فریفت. (۴) آدم (علیه السلام) پیمان الهی را

فراموش کرد و بر آن استوار نماند، (۵) و سوسه های شیطان در او و همسرش

کارگر افتاد، و بالاخره از درخت ممنوعه خوردند (۶) و در نتیجه شرط حضور در آن جایگاه را از دست دادند. (۷)

— جنّت در لغت به معنای باغ و بوستان است، بهشت آخرت نیز به این مناسبت «جنّت» نامیده شده است.

— اعراف ۱۹ ۵ - طه ۱۱۵

— طه ۱۱۵ ۶ - اعراف ۲۲

— اعراف ۲۱ ۷ - بقره ۳۶

-۳۳-

خدای سبحان آدم (علیه السلام) را مورد عتاب قرار داد که :

«مگر من شما را از این درخت نهی نکرده بودم، و مگر به

شما نگفته بودم که شیطان دشمن شما است؟» (۱)

آدم (علیه السلام) و همسرش به اشتباه خود اعتراف کردند، و توبه نمودند

و از خدای رحمان درخواست آمرزش کردند و گفتند :

«پروردگارا، ما دو تن، بر نفس خویش ظلم کردیم و اینک از تو

رحمت و مغفرت می طلبیم و اگر تو ما را نیامرزی و به ما رحم

نکنی، بدون شك از زیانکاران خواهیم بود.» (۲)

خداوند که بسیار آمرزنده و مهربان است، توبه آدم را پذیرفت. (۳)

پس از این ماجرا، فرمان ربوبی صادر شد که از این جا فرو شوید، برای

شما در زمین تا زمان معینی محل و امکاناتی برای زندگی فراهم شده

است. (۴) دیگر شما در زمین زندگی خواهید کرد، در زمین خواهید مرد و

(روز قیامت هم) شما از همان زمین برون خواهید آمد. (۵)

به این ترتیب مدرسه تربیت و آزمون بنی آدم در زمین مستقر شد و

خطاب آمد که :

« فرو شوید (و در زمین منتظر بمانید) تا آنگاه که هدایت من در قالب شریعت، توسط پیامبرانم، بیاید. پس از آن، کسانی که

۴ - اعراف ۲۴

- اعراف ۲۲

۵ - اعراف ۲۵

- اعراف ۲۳

- بقره ۳۳

-۳۴-

از هدایت من پیروی کنند ترسی بر آنها نبوده و غمگین و ناراحت نباشند. و آنها که به آیات و شریعت من کفر ورزند اهل آتش خواهند بود که برای همیشه در آن گرفتار بمانند. «(۱)

دقت در این داستان که با تکرار و تأکید خاصی در قرآن کریم آمده ضروری است. شباهت بسیاری میان ماجرای آدم (علیه السلام) در آن بهشت و وضعیت بنی آدم در دنیا وجود دارد، که به برخی از آنها اشاره می شود.

۱ - آدم (علیه السلام) در منطقه وسیعی آزادی عمل داشت و از نزدیک شدن به محدوده ای مشخص منع شده بود. بنی آدم نیز در دنیا در بهره‌وری از نعمت های الهی آزاد هستند، ولی به اعمال زشت و محرّمات الهی نباید نزدیک شوند. (۲)

۲ - شرط برخورداری آدم (علیه السلام) و همسرش از زندگی راحت و رضوان ربوبی در آن بهشت، مخالفت با وسوسه های شیطان بود. بنی آدم نیز در راه خدا و دستیابی به رشد و کمال و رضوان الهی باید مراقب خویش باشند و با شیطان دشمنی کنند تا اسیر وسوسه او نشوند. قرآن کریم می فرماید:

« ای فرزندان آدم، مراقب خود باشید تا شیطان شما را نفریبد (و موهبت های الهی را از شما نگیرد)، آنچنان که پدر و مادر شما را (فریفت و آنها را) از بهشت بیرون ساخت . . . » (۳)

۳ - خداوند برای آدم (علیه السلام) راه توبه را باز نمود و توبه او را پذیرفت. بنی آدم نیز از این موهبت برخوردارند، راه بازگشت همواره برای آنان باز است و خدای سبحان به آنها وعده عفو و آمرزش داده است، آنجا که می فرماید :

- بقره ۳۸ و ۳۹

- بقره ۱۶۸

- اعراف ۲۷

-۳۵-

وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَن تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى طه ۸۲

باشد که آدمیان به سوی خدا باز گردند و راه حق در پیش گیرند و از این آزمون بزرگ رو سپید بر آیند.

اما بین این دو صحنه - مدرسه بنی آدم در دنیا و جایگاه آدم (علیه السلام) در

بهشت - تفاوتی است، و آن این که بنی آدم در زندگی دنیا از مشاهده ملانکه و شیاطین و شهود بسیاری از مسائل عالم غیب محرومند. این خود موجب گشته است، که آزمون بنی آدم با گذشت و تسامح بیشتری از ناحیه ربوبی مواجه باشد و عذرش به راحتی پذیرفته شود. آدم (علیه السلام) با انجام يك خطا مجبور به ترك آن محیط امن گشت. در حالی که بنی آدم، با خطاهای پیاپی به این زودی از این کلاس اخراج نمی شوند. چه بسا اگر آزمون بنی آدم هم در عالم شهود و منظر فرشتگان و با رؤیت شیطان همراه می بود همان سرنوشت

را می داشت. پس در حقیقت، ورود به دنیا، به نفع بنی آدم بوده است. زیرا تا پایان عمر فرصت دارند که به راه راست بازگردند و گذشته را جبران کنند، البته با توجه به این نکته که تأخیر در توبه جایز نیست و چه بسا که فرصت برای همیشه از دست برود. زیرا مرگ خبر نمی کند و پیش از مرگ هم همیشه توجه و آمادگی برای توبه وجود ندارد.

-۳۶-

\$ پرسش

- ۱ - شیطان برای لغزانیدن آدم چه کرد؟
- ۲ - مسائلی که در قرآن درباره حضرت آدم (علیه السلام) بیان شده است و برای بنی آدم نیز صادق است، کدامند؟
- ۳ - آیا استقرار بنی آدم در زمین به سود آنها بوده است یا به زیانشان؟
- ۴ - آیا می توانید بگویید نقطه ضعف حضرت آدم چه بود که شیطان توانست او را بفریبد؟

G پژوهش

- ۱ - داستان حضرت آدم (علیه السلام) در پنج سوره زیر آمده است، با مراجعه به قرآن کریم شماره آیات مربوطه را بنویسید.

الف - سوره بقره	د - سوره طه
ب - سوره اعراف	ه - سوره ص
ج - سوره حجر	
- ۲ - آیات ۱۱ تا ۲۷ سوره اعراف را به دقت مطالعه نمایید، آنگاه:
 - الف - این آیات را با آیات درس مقایسه کنید (بیان شباهتها و تفاوتها).
 - ب - دستوراتی را که به بنی آدم داده شده است بازگو نمایید.

درس هفتم

اولین شریعت الهی

در این درس آشنا می شویم با :

- ۱ - علت انتخاب پیامبران الهی از میان خود انسانها
- ۲ - اصول دعوت پیامبران
- ۳ - زندگی حضرت نوح (علیه السلام) و چگونگی دعوت آن حضرت
- ۴ - برخورد قوم نوح با آن حضرت و سرنوشت آنان

-۳۸-

بیان آیات

پس از ماجرای حضرت آدم و فرمان هبوط، زمین محیط زندگی و مدرسه افراد بشر شد؛ تا پس از ارائه هدایت الهی آدمیان در معرض درس و آزمون قرار گیرند و با گزینش راه حق و انجام اعمال نیکو به رشد و تعالی برسند.

خداوند به دنبال هبوط آدم و همسرش، به ایشان وعده داد که آنچه برای هدایت شما لازم باشد خواهد آمد. (۱) همچنین درآیه ای همه فرزندان آدم را مورد خطاب قرار می دهد که :

« ای فرزندان آدم چون پیامبرانی از خودتان برای شما بیایند و آیات مرا برای شما بخوانند، کسانی که تقوا پیشه کنند و کارهای نیک انجام دهند (به اصلاح خود و دیگران بپردازند)

نه بیمی بر آنان خواهد بود نه غم و اندوهی خواهند داشت. «(۲) این نکته در این آیه و در برخی آیات دیگر قرآن قابل توجه است که خداوند از همان آغاز بیان داشته است که پیامبران خود را از میان خود انسانها انتخاب خواهد کرد. از آنجا که پیامبران باید پیشوا و الگوی عملی برای انسانها باشند، اگر از میان خود بشر نبودند و مثلاً از فرشتگان انتخاب می شدند، هرگز نمی توانستند شریعت الهی را به طور کامل در عمل و رفتار خود نشان دهند. در این صورت هدایت الهی و حجت خداوند بر مردم تمام نمی شد.

اما متأسفانه برخی از اقوام بشری، در برخورد با پیامبران می گفتند چرا این کسی که ادعای پیامبری دارد همانند ما یک بشر است؟ چرا نباید فرشتگان بر ما نازل شوند و اصلاً چرا پروردگاران را مستقیماً نبینیم؟!

— بقره ۳۸

— اعراف ۳۵

— ۳۹.

قرآن کریم این بهانه جویی ها را سرکشی و استکبار تلقی می کند و لازمه دیدن فرشتگان را کنار رفتن پرده غیب می داند که با نظام دنیا — که آزمونی، در پس پرده است — سازگار نمی داند و می فرماید: آن روز که مردم فرشتگان را ببینند، دیگر برای گنهکاران، هیچ شادمانی و خوشحالی در کار نخواهد بود. (۱)

خداوند به دنبال این وعده بزرگ برای هدایت آدم و بنی آدم، از میان انسانها پیامبران بسیاری را برگزید که از این میان پنج پیامبر بزرگ، آورنده پنج شریعت مقدس بودند، چنان که در قرآن خطاب به رسول اکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) آمده است:

« خداوند حقایق دینی را برای شما تشریح و برنامه ریزی فرمود، همان دین و شریعتی که نوح (علیه السلام) را بدان سفارش نمود (اولین شریعت) و آنچه که بر تو وحی نمودیم (آخرین شریعت و کتاب) و سه شریعت دیگر که ابراهیم (علیه السلام) و موسی (علیه السلام) عیسی (علیه السلام) را بدان سفارش کرد. »

سایر پیامبران از همین شریعتها پیروی کردند و به ترویج آنها پرداختند. حضرت نوح (علیه السلام) رسالت خویش را در میان قومش آغاز نمود و اصول دعوت خویش را این چنین اعلام داشت:

خداوند را بپرستید، از شرك روی گردان باشید که خدایی جز او برای شما نیست، در پیشگاه ربوبی تقوا پیشه سازید، و از من که رسول خدایم اطاعت کنید.

این اصول در دعوت همه پیامبران مشترك بوده است، چنانکه قرآن کریم

در

سوره شعراء، از پنج پیامبر الهی نام می برد که همگی در دعوت خویش اعلام نمودند:

— فرقان ۲۱ و ۲۲

— ۴۰ —

« چرا راه تقوا در پیش نمی گیرید، با آن که من فرستاده ای امین برای شما هستم، باید در پیشگاه الهی تقوا پیشه سازید و از من اطاعت کنید. من بر این وظیفه سنگین رسالت، از شما مزد و پاداشی نمی خواهم، اجر و پاداش من بر عهده خدای ربّ العالمین است. » (۱)

سران کافر قوم با حضرت نوح به مخالفت پرداختند و با بهانه جویی های

گوناگون از پذیرش حق سرباز زدند، سایر مردم هم از آنان پیروی کردند و راه شرک و کفر در پیش گرفتند.

حضرت نوح (علیه السلام) به گفته قرآن، ۹۵۰ سال برنامه رسالت خویش را در میان این قوم ادامه داد. (۲) وی در این مدت طولانی تمامی راههای ممکن را برای هدایت آنان پیمود، متأسفانه جز تعداد اندکی از مردم، بقیه از ایمان و همراهی با وی روی گرداندند. تا آنجا که نوح به درگاه ربوبی شکایت کرد و گفت:

«پروردگارا! من قوم خود را شب و روز - به سوی حق - فرا خواندم، اما دعوت من جز بر فرار آنها چیزی نیفزود. من هر گاه آنها را فراخواندم که به سوی تو آیند تا آنان را مورد مغفرت خویش قرار دهی، انگشتانشان را در گوش کردند (تا صدای مرا نشنوند) و لباس خویش را بر سر افکندند (تا مرا نبینند) و بر باطل خود پای فشردند، راه تکبر در پیش گرفتند (ولی من از پای ننشستم) و مجدداً با صدای بلندتری با آنان صحبت کردم و در نهان و آشکار با آنان سخن گفتم . . .
نوح گفت: خدایا، با این همه، آنها مرا نافرمانی کردند و از سران

- شعرا: آیات ۱۰۶ و ۱۰۹

- عنکبوت ۱۴

- ۴۱-

کافر خود پیروی نمودند. سرانی که مال و فرزندشان، جز مایه زیان نبود، آنها دست به مکرری بزرگ زدند (و مردم را در حمایت از بتها و خدایان ساختگی تحریک نمودند) و گفتند: مبادا دست از خدایان خویش بردارید . . .» (۱)

خداوند نیز به حضرت نوح وحی نمود که :

« از قوم تو جز همان جمع اندک، کسی مؤمن نخواهد شد. » (۲)

از این رو ادامه این کلاس و برنامه، دیگر فایده ای نداشت و با روشن شدن بی ایمانی آنها، جز تعطیل شدن کلاس راهی نماند. خداوند به نوح (علیه السلام) دستور داد :

« با وحی و راهنمایی الهی به ساختن کشتی اقدام کن، و منتظر بمان تا نشانه آن حادثه بزرگ پدیدار گردد و آب از تنور فوران کند. آنگاه که فرمان (بر کیفر این قوم کافر عصیانگر) فرا رسید و

تنور فوران نمود، حیوانات مورد نظر و خاندان خویش را، به جز همسرت (که از گمراهان است) و همه مؤمنین را در کشتی گردآور، و پس از آن که مستقر گشتید بگو : سپاس خدای را که ما را از قوم ظالم نجات بخشید. » (۳)

اینک آن نوحی که لوح معرفت کشتی اوست*** هر که در کشتیش ناید غرقه طوفان کند
مولوی

به این ترتیب خدای سبحان این قوم را از کلاس اخراج نمود و بعدها قوم

- نوح، آیات ۵ تا ۹ و ۲۱ تا ۲۳

- هود ۳۶

- مؤمنون ۲۷ و ۲۸ و هود ۴۰

-۴۲-

دیگری را جایگزین آنان ساخت و از نو برنامه و کلاس را پی گرفت.

این ماجرا، بخوبی وضعیت دنیا را روشن می‌سازد، که همچون مدرسه‌ای است که خداوند برای تربیت و تعلیم انسان پدیدار نموده است و چنانچه قومی به کلی از این هدف روی بگردانند، مستوجب اخراج از کلاس و نابودی خواهند بود.

حافظ از دست مده دولت این کشتی نوح*** ورنه بنیاد حوادث ببرد بنیاد

\$ پرسش

- ۱ - با توجه به آیه ۱۳ سوره شوری، پیامبران صاحب شریعت چه کسانی هستند؟
- ۲ - بهانه‌ها و اشکالاتی که قوم نوح می‌گرفتند چه بود؟
- ۳ - اصول مشترك دعوت رسولان الهی چیست؟

G پژوهش

- ۱ - با توجه به سوره مبارکه نوح :
الف - آیاتی را که اصول دعوت حضرت نوح را بیان می‌کند، بنویسید.
ب - چگونگی دعوت حضرت نوح و نحوه برخورد قومش را به اختصار توضیح دهید.
- ۲ - با مراجعه به آیات ۱۰۶ تا ۱۸۰ سوره مبارکه شعراء، نام پنج پیامبر الهی را که دعوت آنها در این آیات بیان شده و نیز آیاتی را که شامل اصول دعوت این پیامبران بوده است، بنویسید.

-۴۳-

درس هشتم

اقوام پس از حضرت نوح

در این درس آشنا می شویم با :

- ۱ - چگونگی ادامه برنامه تربیتی خداوند و تشکیل مجدد کلاس
- ۲ - شباهت‌های موجود در اقوام اولیه و سرنوشت همسان آنان
- ۳ - وعده خداوند درباره آینده جامعه بشری، دین و شریعت الهی

-۴۴-

بیان آیات

با اخراج قوم نوح از صحنه مدرسه و کلاس دنیا، خدای رحمان همان برنامه را برای قوم دیگری به اجرا درآورد. پیامبری گرانقدر را به سوی آنان گسیل داشت، تا دستورات شریعت و دین را به آنها ابلاغ نماید و آنان را به سوی خدا فرا خواند. سرنوشت این قوم نیز، با قوم نوح کاملاً شباهت یافت، زیرا آنان همانند قوم نوح از پیامبر خدا و دستورات الهی، روی گردان شدند و به پیروی از سران کافر خویش، با راه حق به مخالفت پرداختند.

قرآن کریم، پس از قوم نوح درباره سه قوم عاد، ثمود و لوط سخن گفته است. این اقوام یکایک به صحنه درس و آزمون وارد شدند ولی متأسفانه با برنامه خداوند و پیامبران خود، که به ترتیب عبارت بودند: از حضرت هود، حضرت صالح و حضرت لوط، مخالفت کردند، از ایمان به رسالت و معاد سرباز زدند و نهایتاً شایستگی حضور در مدرسه را از دست دادند. تا این که خداوند مؤمنان آنان را نجات بخشید و بقیه قوم را با حوادث مختلفی عذاب کرد و از صحنه کلاس اخراج نمود.

پس از این اقوام، خدای رحمان همچنان اقوام دیگری را، در معرض

تربیت قرار داد و پیامبران خویش را به سوی آنان گسیل داشت و بدین ترتیب برنامه الهی بدون وقفه ادامه یافت، تا این که دین خدا و راه حق در دلها نفوذ کرد و به دنبال تلاشها و تعالیم انبیاء (علیهم السلام) بر شمار مؤمنان افزوده شد و بسیاری از سنتهای الهی در جامعه انسانی جاری و حاکم گشت، تا آنجا که در برخی از زمانها حکومت الهی نیز به دست بعضی از پیامبران برقرار شد.

اکنون نیز که بیش از ۱۴ قرن از زمان ظهور آخرین پیامبر الهی می گذرد، بیشتر مردم دنیا پیرو یکی از سه دین بزرگ توحیدی می باشند، و هر چند پیروان واقعی پیامبران

-۴۵-

حاکمیت مطلق و فراگیر را در دنیا در دست ندارند، اما زندگی بشر از روح تعالیم اصلی پیامبران خالی نیست و از سوی دیگر هم پیروزیهای روز افزون موحدین عالم، نوید فرارسیدن وعده الهی را در پیروزی کامل حق بر باطل به همراه دارد. همان وعده ای که بر اساس آن خداوند مقرر داشته است تا از سلاله پاک پیامبر عظیم الشان اسلام (صلی الله علیه و آله)، دوازدهمین و آخرین امام بر حق، پرچم نورانی توحید را در سراسر گیتی به اهتزاز در آورد و دین الهی را بر تمامی انسانها سایه گستر سازد.

قرآن در آیات مختلفی و از جمله در آیه شریفه زیر می فرماید :

«يُرِيدُونَ أَن يُطْفِئُوا نَوْرَ اللَّهِ بِأَفْوَهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَن يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ. هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (۱) توبه ۳۲ و ۳۳

آری، این برنامه تربیتی و هدایت الهی است که اراده فرموده و تحقق آن

را بجامعه انسانی وعده داده است. امید آن که به زودی فرارسیدن روزی را شاهد

باشیم که پرچم توحید و هدایت الهی بر تمامی جهان و جهانیان سایه گستر باشد.

– آن یُطْفِوا : خاموش کنند یأبی : ابا دارد، نمی گذارد لِيُظْهَرَهُ : تا آن را پیروز گرداند

-۴۶-

\$ پرسش

- ۱ – سه قومی که پس از حضرت نوح با پیامبران خود مخالفت کردند چه نام داشتند، و سرانجام آنها چه شد؟
- ۲ – علت این که خداوند بعضی از اقوام را از صحنه تربیتی دنیا خارج ساخت چه بود؟
- ۳ – با توجه به آیات درس، سران قوم کافر درباره پیامبر خدا و روز قیامت چه گفتند؟
- ۴ – منظور از نور الهی و اتمام آن چیست؟

G پژوهش

- ۱ – با مطالعه آیات ۱۲۳ تا ۱۶۴ سوره شعراء، شش آیه را که مشخص کننده نام سه قوم مورد بحث در این درس و نام پیامبر آنها می باشد استخراج کرده و بنویسید.
- ۲ – با مراجعه به سوره صف و نیز آیات ۵۱ تا ۵۷ سوره نور، دو آیه را که درباره وعده الهی مبنی بر پیروزی کامل دین خداوند بر کفر و شرك می باشد، مشخص کنید.

درس نهم

قوم نجات یافته

در این درس آشنا می شویم با :

۱ - برخی سنتهای الهی درباره عکس العمل اقوام بشری در برابر پیامبران

۲ - مرحله ای بودن کیفرهای تنبیهی الهی در جهت هدایت انسان و تأثیر

آن

در بازگشت به سوی خدا

۳ - سرنوشت قوم یونس و نجات آنها از عذاب الهی

۴ - تقدّم رحمت خداوند بر غضب او

-۴۸-

بیان آیات

قرآن کریم می فرماید در صورتی که اقوام بشری ایمان آورده و با عمل به دستورات خداوند تقوا پیشه کنند، در رحمت و برکت الهی از زمین و آسمان بر آنها گشوده خواهد شد. از سوی دیگر اگر برخی از اقوام دچار عذاب می شوند، خود با تکذیب الهی زمینه ساز این عذاب بوده اند. با دقت در آیات قرآن، حکمت این کیفرها و نیز سیر عذابهای الهی روشن می شود. خدای رحمان، بسیاری از خطاهای افراد و اقوام بشر را نادیده می گیرد و مورد عفو و اغماض قرار می دهد، و گر نه این اندازه مهلت به خطاکاران داده نمی شد.

عذابهای الهی جنبه تربیتی دارد و تنبیه و هشدار است، و چنانچه تنبیه ابتدایی مفید نیفتد در مرحله های بعدی تشدید می گردد، چنان که درباره قوم

فرعون آمده است :

« ما - در جهت تنبیه و هشدار آنها - هر آیت و عذابی را که به آنها نمایانندیم، از عذاب قبلی بزرگتر بود. ما آنها را به این مشکلات دچار نمودیم، شاید به راه حق باز گردند. » (۱)
قرآن کریم اعلام می دارد که :

آنهاکه اهل ایمان به آخرت نیستند، از راه منحرف می شوند (و هشدار نمی پذیرند). اگر بر این گونه مردمان، رحم و شفقت بیاوریم و مشکل را از آنها بر طرف سازیم، کورکورانه بر طغیان و سرکشی خود لجاجت میورزند؛ و وقتی به عذاب دچارشان سازیم (تا تنبیه شوند) حاضر نمی شوند که در برابر پروردگارشان خاضع گردند و با تضرع و زاری به سوی او باز گردند. تا این که وقتی (کار به مرحله آخر رسد و) دری از عذاب سهمگین بر رویشان گشوده شود، راه را بر خود

- زخرف ۴۸

-۴۹-

بسته دیده، نا امید می شوند (و باز هم به سوی حق باز نمی گردند).
گویا نظر قرآن کریم بر این است که حتی در حالت مشاهده آخرین مرحله عذاب هم، مردم نباید نا امید شوند؛ بلکه باید با روی آوردن به خدای مهربان و توبه و ایمان، عذاب را از خود بر طرف سازند.

قرآن کریم قوم یونس را به عنوان قوم نجات یافته معرفی می کند. آنان هنگام مواجه شدن با عذاب الهی، ایمان آوردند و به سوی خدا باز گشتند. ایمان قوم یونس، در آخرین لحظات مفید افتاد و خداوند عذاب ذلت بار را از آنها بر طرف ساخت. (۱)

قوم یونس را چو پیدا شد بلا***ابر پر آتش جدا شد از سما
جملگان بر بامها بودند شب***که پدید آمد ز بالا آن کرب (۲)
لیک چون دیدند آثار بلا***در تضرع آمدند و لابه ها

از نماز شام تا وقت سحر ***خاک می کردند بر سر آن نفر
 جملگی آوازه‌ها بگرفته شد ***رحم آمد بر سر آن قوم لُد (۳)
 بعدِ نومیدی و آه ناشگفت ***اندک اندک ابر و اگشتن گرفت
 با تضرع باش تا شادان شوی ***گریه کن تا بی دهان خندان شوی
 که برابر می نهد شاه مجید ***اشک را در فضل با خون شهید
 لابه کرد و اشک چشم خویش راند ***رحمت آمد آن غضب را و انشانند
 مولوی

– درباره قوم یونس آمده است هنگامی که حضرت یونس از جفای قومش
 خسته شد و یگه و تنها، بدون آن که کسی بداند، شهر را ترک کرد، مردم از
 کرده خود پیشیمان شدند و ایمان آوردند. در نتیجه عذاب
 الهی که برای آنها مقدر شده بود از میان برداشته شد.

– کُرب: جمع کربّه به معنای غم و سختی

– لُدّ: جمع لُدّ به معنای دشمن سر سخت و سیتزه جو

..۵۰

قرآن کریم شکایت می کند که چرا سایر اقوام، به هنگام مشاهده عذاب،
 ایمان نیاوردند تا از عذاب برهند. از این رو می توان نتیجه گرفت چنانچه
 اقوام نوح، عاد، ثمود، لوط و دیگران با همه کفر پیشگی و زشت کرداری،
 حتی اگر پس از مواجه شدن با مقدمات کیفر الهی، به سوی حق باز می گشتند
 و به برنامه تربیتی الهی ایمان می آوردند و به رهنمودهای پیامبران که
 معلمان این برنامه اند گوش می سپردند، خداوند عذاب را از آنها برطرف
 می کرد، و راه فلاح و سعادت را به رویشان می گشود. «البته که خداوند
 نسبت به بندگانش لطف و مرحمت دارد» (۱) و

«رحمت او بر غضبش پیشی گرفته است» (۲).

این موضوع درباره همه افراد بشر صادق است. یعنی چنانچه بنده ای

صادقانه به خدا رو آورد و راه ایمان و تقوا بیپوید و به جبران خطاهای خود بپردازد، بی شك مورد پذیرش و آمرزش خدای رحمان قرار می گیرد که او خود فرموده است:

قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ
لَا تَقْنَطُوا (۳) مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ
جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. زمر ۵۳

— إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ;
غافر ۶۱

— يَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ؛ دعای جوشن کبیر، بند ۲۰

— لَا تَقْنَطُوا: نا امید نشوید

— ۵۱ —

\$ پرسش

- ۱ — برای قوم یونس چه پیش آمد؟ چرا خداوند آنها را نجات بخشید؟
- ۲ — خداوند در صورت ایمان و تقوای مردم، چه وعده هایی به آنها داده است؟
- ۳ — عذابهای الهی بر اقوام بشری، به چه منظوری است و در چه صورتی تشدید می شود؟
- ۴ — چگونه غضب و کيفر الهی با رحمت او سازگاری دارد؟

G پژوهش

- ۱ — با مراجعه به ریشه «توب» در معجم المفهرس، ۵ آیه کوتاه درباره پذیرفته شدن توبه بندگان بنویسید.

۲ - با مراجعه به آیات ۱۳۹ تا ۱۴۸ سوره صافات، شرح مختصری از سرگذشت حضرت یونس را بنویسید.

درس دهم دومین شریعت الهی

در این درس آشنا می شویم با :

- ۱ - حوادث سازنده زندگی حضرت ابراهیم (علیه السلام)
- ۲ - شرك ستیزی و بت شکنی حضرت ابراهیم (علیه السلام)
- ۳ - استقرار توحید و دین الهی و گسترش آن در جامعه بشری

-۵۳-

بیان آیات

پس از حضرت نوح (علیه السلام) پیامبران تا زمان حضرت ابراهیم (علیه السلام)، شریعت حضرت نوح را ترویج می کردند. حضرت ابراهیم (علیه السلام) دومین پیامبر صاحب شریعت است. زندگی این پیامبر بزرگ، بسیار شگفت انگیز و آکنده از وقایع جالب و استثنایی است.

خدای بزرگ درباره حضرت ابراهیم فرموده است:

« ما خود پیش از این، رشد و کمال را به ابراهیم ارزانی

داشتیم.»

گویا خدای رحمان، مستقیماً ابراهیم (علیه السلام) را در معرض تربیت غیبی قرار داده است.

بت شکنی ابراهیم

هنگامی که ابراهیم به سن نوجوانی رسید، با عموی خویش - آزر - و قوم

و

قبیله اش به مجادله پرداخت که چرا این مجسمه ها را می پرستید و در مقابل آنها زانو می زنید؟

آنها گفتند: ما پدران خویش را مشاهده کردیم که به همین شیوه آنها را

عبادت می کردند.

ابراهیم (علیه السلام) گفت: شما و پدرانتان سخت در گمراهی هستید. وقتی حضرت ابراهیم اعتراض به بت پرستان را پی گرفت آنها گفتند: تو این حرفها را جدی می گویی یا سر شوخی داری؟ ابراهیم اظهار داشت: جداً می گویم! پروردگار شما همان پروردگار آسمانها و زمین است، همان کس که آنها را آفریده است. اعتراض ها و گفتگوهای ابراهیم (علیه السلام) به جایی نرسید، از این رو تصمیم به اقدامی

- ۵۴ -

انقلابی و شجاعانه گرفت. در يك روز تعطیل که مردم شهر را ترك کرده بودند، راهی بتخانه شد، همه بتها را خرد کرد و تنها بت بزرگ را باقی گذاشت. تبر را بر دوش آن قرار داد و از بتخانه خارج شد. مردم چون به شهر بازگشتند، خدایان ناتوان خود را در هم شکسته یافتند. دانستند جز ابراهیم (علیه السلام) کسی جرأت این کار را ندارد. گفتند: باید در برابر همه مردم، ابراهیم را محاکمه کنیم. ابراهیم هرگز از آن انبوه جمعیت نترسید و بلکه با آنان به بحث و مجادله پرداخت. ابتدا آنان را متوجه بت بزرگ ساخت که تبر را بر دوش داشت. ابراهیم از مردم خواست تا از خود بتها سؤال کنند که چه کسی آنها را به این حال و روز انداخته است؟ پس از آن که بت پرستان بر ناتوانی بتها در سخن گفتن اعتراف کردند، ابراهیم آنها را ملامت نمود که: پس شما چیزهایی را می پرستید که هیچ سود و زیانی برای شما ندارند. اف بر شما و بر آنچه جز خدای سبحان می پرستید. با این همه قوم ابراهیم سخن حق را نپذیرفتند و پس از مشورت و مذاکره، وی را به آتش انداختند، اما با فرمان ربوبی آتش بر ابراهیم سرد و سلامت شد.

هجرت ابراهیم

پس از این ماجرا، حضرت ابراهیم (علیه السلام) سرزمین خویش، بابل را ترک کرد، و به سوی حرّان و سپس مصر عزیمت نمود و نهایتاً به سوی فلسطین هجرت کرد و شریعت توحیدی را در آن سرزمین بنیان گذارد. خدای رحمان، فرزندان فرزانه و دانشمند، به نام اسماعیل و اسحاق به ابراهیم عطا فرمود و سپس یعقوب را به اسحاق بخشید، و همه آنان را به پیامبری برانگیخت.

-۵۵-

نسل حضرت ابراهیم، در سرزمین مصر، از یعقوب (علیه السلام) بر جای ماند که به بنی اسرائیل شهرت یافتند. از زمان حضرت ابراهیم (علیه السلام) تحوّل چشمگیری در جامعه انسانی پدیدار شد. دین الهی در جامعه بشری، جایگاه قابل توجهی یافت و قوم بنی اسرائیل با رهنمودهای پیامبران، در مسیر توحید گام برداشتند. نکته قابل توجه این که، رسالت حضرت ابراهیم با مهاجرت به فلسطین و بنیانگذاری مکتب توحید در آن سرزمین پایان نمی پذیرد؛ بلکه آن حضرت مأموریت می یابد تا به سرزمین حجاز سفر کند و مکتب توحیدی را در آنجا نیز بنیان نهد و خانه کعبه را بنا سازد. خانه ای که به تعبیر قرآن کریم برای همه مردم دنیا مبارك و موجب هدایت است.

\$ پرسش

- ۱ - گفتگوی حضرت ابراهیم با قومش چه بود؟
- ۲ - حضرت ابراهیم (علیه السلام) چند بار و به کجا هجرت کردند؟
- ۳ - اقدامات مهم حضرت ابراهیم در هر يك از هجرتهايش چه بود؟

G پژوهش

آیه ۸۳ تا ۹۹ سوره مبارکه صافات را مطالعه کنید و آنگاه :
الف : مطالب تازه ای را که درباره حضرت ابراهیم یافتید بنویسید.
ب : آنچه را فرا گرفتید با بیانی داستانی و زیبا به رشته تحریر در آورید.

-۵۶-

درس یازدهم

خانه کعبه

اولین پایگاه توحیدی برای همه مردم جهان

در این درس آشنا می شویم با :

- ۱ - سرزمین مکه و هدف از هجرت حضرت ابراهیم به آن
- ۲ - بنای کعبه و انجام مناسک حج توسط حضرت ابراهیم
- ۳ - اهمیت خانه کعبه و منشأ برکت و هدایت بودن آن
- ۴ - برقراری آیین حج به دست حضرت ابراهیم
- ۵ - بقای نسل حضرت ابراهیم در سرزمین مکه تا ظهور حضرت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

-۵۷-

بیان آیات

ابراهیم (علیه السلام) در سرزمین مکه

از سوی خدای سبحان، حضرت ابراهیم (علیه السلام) مأموریت یافت که به سرزمین حجاز هجرت کند و در آنجا اولین پایگاه جهانی توحید، را برای مردم عالم بنیان گذارد.

ابراهیم (علیه السلام) هجرت خود را به سوی مکه با همسرش هاجر و فرزندش اسماعیل آغاز کرد. پس از رسیدن به مکه آن دو را در آن سرزمین بر جای گذارد و خود به سوی فلسطین بازگشت. به هنگام بازگشت دست به دعا برداشت که:

« پروردگارا! من یکی از فرزندانم را در این وادی بدون گیاه،

در

کنار خانه محترم تو سکونت دادم تا نماز را به پای دارند، تو نیز

دل‌های برخی از مردم را به سوی آنان متمایل کن، و به آنان از محصولات روزی ده، باشد که شکر نعمت تو را به جای آورند.» (۱)

با رفتن ابراهیم، هاجر و فرزندش تنها ماندند. تنها، در يك منطقه کوهستانی و سنگلاخ، بدون هیچ یاور و بلکه بدون يك آشنا. البته آن دو همه چیز داشتند، چون خدای مهربان با آنها بود.

چیزی نگذشت که چشم هاجر به چشمه آب زمزم روشن شد. همان چشمه ای که در کنار خانه خدا، در زیر پاهای كوچك اسماعیل - که از شدت تشنگی بر زمین ساییده بود - جوشید. پرندگان آسمان، با دیدن آب فراوان چشمه، در آن وادی سوزان، به سوی آن روان شدند. دیری نپایید که سوارانی از قبیله جرهم

- ابراهیم، ۳۷

-۵۸-

با دنبال کردن محل فرود پرندگان به کنار چشمه آمدند. در آنجا هاجر و كودك معصومش را دیدند و از وی اجازه خواستند تا در آن سرزمین بمانند. رفته رفته در اطراف خانه خدا جمعیتی گرد آمد و دیگر اسماعیل و هاجر تنها نبودند.

حضرت ابراهیم (علیه السلام) در سفرهای بعد، طبق مأموریت الهی خویش، خانه کعبه را در جایگاه تعیین شده بنا کرد. این خانه اولین پرستشگاه رسمی و خانه امن الهی است. خدای رحمان خانه کعبه را برای تمامی انسانها بر پا نموده، و آن را موجب برکت و آبادانی برای اهل زمین قرار داده است. در حریم خانه کعبه، آیات و نشانه‌هایی از انبیای الهی موجود است. از حضرت ابراهیم نیز یادگاری بس گرانبه‌تر بر جای مانده است. این یادگار

همان سنگی است که آن حضرت، به هنگام بالا بردن دیوارهای خانه، بر روی آن می ایستاد. این سنگ که «مقام ابراهیم» نامیده می شود، هم اکنون در مسجدالحرام، در نزدیکی خانه کعبه در حدّ فاصلی که برای طواف است قرار دارد و زائران بیت الله نماز طواف را پشت آن می خوانند.

اکنون خانه کعبه، قبله گاه جهانی است. تمامی مسلمانان به هنگام نماز، رو به سوی آن می ایستند و از برکت و رحمت الهی که از آن سو جاری است، بهره می جویند.

خانه کعبه در وسط مسجدی قرار دارد که «مسجدالحرام» نامیده می شود و بزرگترین و برترین مسجد روی زمین است.

در اطراف خانه کعبه، منطقه وسیعی به وسعت صدها کیلومتر مربع، حرم امن الهی است. طبق فرمان خداوند، هر کس وارد حرم گردد، و در حریم کعبه قرار گیرد، باید از هر تعرضی در امان باشد.

خدای سبحان از ابراهیم و اسماعیل پیمان گرفت که خانه او را همواره

برای

-۵۹-

زائرانی که می خواهند طواف کنند و اعتکاف نمایند و رکوع و سجده به جای آورند، پاکیزه نگه دارند.

ابراهیم و فرزندش اسماعیل - پس از بنای خانه - دست به دعا برداشتند که:

«پروردگارا - این تلاش را - از ما بپذیر، البته که تو شنوا و دانا هستی. بارالها، ما دو تن را تسلیم در گاهت قرار ده و از نسل ما نیز امتی مسلمان پدیدآور، و مناسک حج را به مانشان بده، و بر ما ببخشای که تو توبه پذیر و مهربانی.»

پس از بنای کعبه، مناسک حج بیت الله نیز به حضرت ابراهیم ارائه شد و

در

آیین اسلام، از بزرگترین اعمال قرار گرفت، تا آنجا که برای ترك عمدی آن تعبیر کفر آورده شده است. (۱)

پس از انجام مأموریت، و برقراری مناسک حج، حضرت ابراهیم، به سوی فلسطین بازگشت. اسماعیل و هاجر در مکه ماندند و از نسل اسماعیل (علیه السلام) جمع فراوانی در اطراف خانه خدا پدیدار گشتند.

به این ترتیب فرزندان ابراهیم دو تیره شدند. دسته ای به نام بنی اسرائیل (۲) که از نسل « یعقوب » و « اسحاق » و در منطقه فلسطین زندگی می کردند، و دسته دوم فرزندان « اسماعیل » که در سرزمین حجاز نشو و نما یافتند.

پس از حضرت ابراهیم، پیامبران بسیاری در میان بنی اسرائیل مبعوث شدند و به ترویج دین الهی پرداختند. ولی سرانجام، آیین جهانی و جاویدان اسلام، که به دست حضرت ابراهیم پی ریزی شده بود، به دست پیامبر اکرم حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)

- به عبارت « وَ مَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ » در آیات درس توجه فرمائید.

- اسرائیل نام دیگر حضرت یعقوب است.

-۶۰-

که از فرزندان حضرت اسماعیل بود، بر جهانیان عرضه شد؛ و « حج » که از بزرگترین ارکان اسلام است، در میان این تیره برقرار گشت. پیامبر اسلام تنها پیامبر جهانی است که کتاب آسمانی و دین او، برای همیشه در جهان جاویدان خواهد ماند.

\$ پرسش

- ۱ - حضرت ابراهیم (علیه السلام) به چه منظور فرزندخویش را در وادی بی آب و علف در کنار خانه خدا قرار داد؟
- ۲ - مقام ابراهیم چیست و در کجا قرار دارد؟
- ۳ - «کعبه»، «مسجد الحرام» و «حرم» چه مکانهایی هستند و چرا این گونه نامگذاری شده اند؟
- ۴ - نسل حضرت ابراهیم چگونه و در چه سرزمینهایی گسترش یافت و پیامبر اکرم از نسل کدام یک از فرزندان حضرت ابراهیم است؟

G پژوهش

- ۱ - با مراجعه به واژه «ابراهیم» در معجم المفهرس بررسی کنید که در چند آیه از قرآن کریم درباره حضرت ابراهیم و خانه کعبه سخن به میان آمده است؟
 - ۲ - آیات ۲۵ تا ۲۹ سوره مبارکه حج را مطالعه نمایید و نکاتی را که درباره مناسک حج و خانه کعبه در آنها آمده است بنویسید.
- ۶۱-

درس دوازدهم

سومین شریعت الهی

در این درس آشنا می شویم با :

- ۱ - سرگذشت فرزندان حضرت ابراهیم(علیه السلام) از نسل اسحاق و ظهور حضرت موسی(علیه السلام)
- ۲ - زندگی شگفت انگیز حضرت موسی و حفظ او از ولادت تا رسالت توسط خداوند
- ۳ - رسالت حضرت موسی و مأموریت او به سوی فرعون برای نجات بنی اسرائیل
- ۴ - معجزات حضرت موسی و غلبه بر ساحران و سرانجام فرعون و فرعونیان

-۶۲-

بیان آیات

رسالت موسی کلیم الله

حضرت ابراهیم(علیه السلام) از نسل حضرت یعقوب دارای فرزندان بسیاری شد؛ حضرت یوسف، برجسته ترین فرزند یعقوب، سرنوشتی پرمآجرا داشت. برادران یوسف، وی را دور از چشم پدر در چاه افکندند. کاروانیان به جای آب، یوسف را در دلو، از چاه بیرون آوردند و او را با خود به مصر بردند. یوسف توسط عزیز مصر خریداری شد و به خانه وی راه یافت. حضرت یوسف آزمونهاى سنگینی را پشت سر گذاشت و رنجهای فراوانی را تحمل نمود تا سرانجام پس از تعبیر خوابی شگفت از سلطان و ارائه رهنمود،

از سوی وی به منصب خزانه داری مصر برگزیده شد. با دعوت یوسف، پدر و برادرانش به آن دیار هجرت نمودند و به این ترتیب نسل حضرت یعقوب - بنی اسرائیل - در مصر فراوان گشت. بعدها، پادشاهان مصر، که فرعون نامیده می شدند، بنی اسرائیل را به بردگی گرفتند، آنان را به بیگاری می گماشتند و در آزارشان از هیچ کاری روی گردان نبودند. پسران آنها را می کشتند و دختران را زنده می گذاشتند، تا نیروی مقاومتی در برابر فرعونیان نداشته باشند. در این باره قرآن فرموده است :

« همانا فرعون در سرزمین مصر بلند پروازی کرد، و مردم آن را

گروه گروه ساخت. گروهی از آنها - بنی اسرائیل - را ناتوان می کرد و زبون می داشت. پسران آنها را می کشت و زنانشان را

زنده می گذاشت. جداً که فرعون از مفسدان بود. » (۱)

با اراده خدای رحمان، در میان این طایفه مستضعف، پیامبر بزرگ و نجات بخش

- قصص، ۴

- ۶۳ -

آنان یعنی حضرت موسی بن عمران (علیه السلام) به دنیا آمد. چشم مادر به نور دیده اش روشن شد. اما همواره نگران و مضطرب بود؛ نگران از هجوم ناگهانی مأموران؛ همان مأموران فرعون، که وقت و بیوقت به خانه ها می ریختند و نوزادان پسر را می کشتند.

خدای سبحان به مادر موسی وحی نمود که :

« فرزندات را شیر بده و چون بر جان او بیمناک شدی او را به

دریا افکن و دیگر نترس و اندوه به دل راه مده، بی شك ما او را به تو باز می گردانیم، و او را از پیامبران قرار می دهیم.» (۱)

بر اساس این فرمان، مادر موسی کودک خویش را در صندوقچه ای قرار داد و به رود نیل افکند. فرعونیان صندوقچه را - که در جریان آب به سرای فرعون راه یافته بود - از آب گرفتند و آن را گشودند. کودک شیرخوار، همچون ماه تابان نمایان شد. فرعون به پیشنهاد همسرش - که سخت شیفته کودک شده بود - موسی (علیه السلام) را به پسرخواندگی خویش انتخاب نمود. کودک گرسنه بود. دایگان برای شیر دادن به صف شدند، اما کودک هرگز از بیگانه شیر نخورد و تنها منتظر مادر بود؛ زیرا خداوند چنین تقدیر کرده بود. خواهر موسی - که از آغاز ماجرا را دنبال می کرد - اجازه خواست و دعوت دربار را برای شیر دادن کودک، به مادر خویش ابلاغ نمود. مادر موسی به صورت ناشناس راهی دربار فرعون شد و کودک خویش را در آغوش گرفت. آری موسی شیر مادر را همچون شهد عسل می مکید.

بدین گونه بشارت الهی محقق شد. چشم مادر موسی به دیدار دوباره فرزند روشن شد؛ از این پس مادر موسی، در امنیت کامل، و با منت بر فرعونیان، کودک خویش را شیر می داد.

- قصص ۷

- ۶۴ -

لطف حق

مادر موسی چو موسی را به نیل *** در فکند از گفته ربّ جلیل
خود ز ساحل کرد با حسرت نگاه *** گفت کای فرزند خرد بی گناه
گر فراموشت کند لطف خدای *** چون رهی زین کشتی بی ناخدای؟
گر نیارد ایزد پاکت به یاد *** آب، خاکت را دهد ناگه به باد

وحی آمد کاین چه فکر باطل است*** رهرو ما اینک اندر منزل است
 ما گرفتیم آنچه را انداختی*** دست حق را دیدی و نشناختی؟
 در تو تنها عشق و مهر مادری است*** شیوه ما عدل و بنده پروری است
 نیست بازی کار حق، خود را م باز*** آنچه بردیم از تو باز آریم باز
 سطح آب از گاهوارش خوشتر است*** دایه اش سیلاب و موجش مادر
 است

رودها، از خود نه طغیان می کنند*** آنچه می گوئیم ما، آن می کنند
 به که برگردی به ما بسیاریش*** کی تو از ما دوست تر می داریش
 نقش هستی، نقشی از ایوان ماست*** خاک و باد و آب سرگردان ماست
 قطره ای کز جویباری می رود*** از پی انجام کاری می رود
 ما بسی گم گشته باز آورده ایم*** ما بسی بی توشه را پرورده ایم
 میهمان ماست هر کس بینواست*** آشنا با ماست، چون بی آشناست
 ما بخوانیم، ار چه ما را رد کنند*** عیب پوشی ها کنیم، ار بد کنند
 سوزن ما دوخت، هر جا هر چه دوخت*** ز آتش ما سوخت، هر شمعی
 که سوخت

پروین اعتصامی

موسی (علیه السلام) در دربار فرعون منزلتی والا داشت تا آن که به رشد
 کامل نایل گشت. رخدادی ناگوار موجب شد تا حضرت موسی از فرعونیان
 فرار کند و با ترس و

-۶۵-

نگرانی از مصر خارج شود. موسی در طی هشت روز پیاده روی، بدون
 توشه راه، صحرای سینا را پشت سر نهاد و غریب و نا آشنا وارد شهر
 «مدین» شد.

در مدین واقعه جالبی پیش آمد. جماعتی از چاه آب می کشیدند و در
 برکه ای می ریختند تا گوسفندان را سیراب کنند. اما دو دختر در کناری،

گوسفندان خویش را از نزدیک شدن به برکه باز می داشتند. آنان منتظر بودند تا همگان بروند سپس آنها به گوسفندان خود آب دهند. موسی (علیه السلام) که ناظر این صحنه بود، به سرعت و قوت برای آنان آب کشید و گوسفندان را سیراب کرد. آنگاه در گوشه ای نشست و نیاز خویش را به اندکی نان برای رفع گرسنگی شدید، به پروردگارش عرضه داشت.

آن دو دختر، فرزندان شعیب بودند. چیزی نگذشت که یکی از آن دو تن بازگشت. گامهای با وقارش از حیا و حسن تربیت او حکایت می کرد. چون به نزد موسی رسید دعوت پدر خویش را به او رساند. آنگاه به راه افتاد تا موسی به دنبال او حرکت کند. حضرت موسی به وی گفت تو از پشت سر حرکت کن و راهنمای من باش.

موسی (علیه السلام) با یکی از دختران شعیب ازدواج کرد و بر اساس یک قرارداد، حدود ده سال در کنار آن پیامبر الهی ماند و مسائل بسیاری آموخت و پس از پایان این مدت به سوی مصر بازگشت.

شبان وادی ایمن گهی رسد به مراد***که چند سال به جان، خدمت شعیب کند

حافظ

حضرت موسی (علیه السلام) در بازگشت، به هنگام عبور از صحرای سینا، در کنار کوه طور به وادی مقدس راه یافت. در آنجا خدای سبحان با وی سخن گفت و او را به مقام والای رسالت برگزید و دو آیت - عصا و ید بیضا - را به عنوان نشان پیامبری، در اختیار وی قرار داد.

-۶۶-

حضرت موسی (علیه السلام) پس از برگزیده شدن به پیامبری، مأموریت یافت تا به مصر رود و فرعون را به سوی حق فرا خواند و بنی اسرائیل را از ستم رهایی بخشد. حضرت موسی (علیه السلام) از خداوند خواست تا در این رسالت بزرگ، برادرش « هارون » به عنوان « وزیر » او را یاری کند. خداوند درخواست موسی را پذیرفت.

فرعون و سران مصر راه استکبار در پیش گرفتند و با پیامبر خدا به مبارزه پرداختند. حضرت موسی آیات الهی را به آنها نمایاند. عصای خویش را افکند، به ناگاه به ماری سهمگین بدل شد. دست خویش از گریبان برون کرد، نوری سپید و دلنشین، از آن پدیدار شد.

فرعون، ساحران مصر را فرا خواند تا صحنه ای بزرگ برای مبارزه با موسی (علیه السلام) تشکیل دهند. ساحران با سحری عظیم آنچه داشتند به میدان آوردند و در برابر موسی میدان را از مارهای ساختگی - که از دور به نظر می رسید همه حرکت می کنند - پر ساختند. اما همین که موسی، به فرمان الهی عصای خویش را بر زمین افکند، ماری عظیم شد که تمامی سحر ساحران را بلعید. به این ترتیب، حق روشن شد. ساحران که خود سحر را از معجزه به خوبی می شناختند، همگی یکباره ایمان آوردند و بی توجه به رأی و خواست فرعون، در پیشگاه ربوبی به سجده افتادند.

سحر با معجزه پهلو نزند، دل خوش دار ***سامری کیست که دست از ید بیضا ببرد
حافظ

با این همه، فرعون از طغیان و سرکشی دست برنداشت و سرانجام به کیفر الهی دچار شد. آن هنگام که به فرمان خدا رود نیل شکافت و موسی و یارانش از آن گذشتند، فرعون و لشکریانش که در تعقیب موسی بودند، همگی در دریای نیل غر شدند. بدین گونه حکومت طاغوتیان برچیده شد. بنی اسرائیل نجات یافتند و

-۶۷-

حضرت موسی (علیه السلام) فرمانروایی آنها را به دست گرفت. با نزول تورات از جانب خداوند، سومین شریعت الهی به دست حضرت موسی در میان بنی اسرائیل جلوه گر شد.

\$ پرسش

۱ - حضرت موسی (علیه السلام) دوران کودکی و نوجوانی خود را در کجا و چگونه سپری کرد؟

۲ - حضرت موسی (علیه السلام) چگونه به رسالت برگزیده شد؟

۳ - فرعون در مقابل دعوت حضرت موسی چه عکس العملی نشان داد

و

سرانجام او چه شد؟

۴ - سرانجام کار ساحران فرعون به کجا رسید؟

G پژوهش

۱ - آیاتی که در دو سوره مبارکه مُزَّمِّل و فجر درباره حضرت موسی،

و

فرعون است، استخراج کرده و بنویسید.

۲ - آیات ۱۵ تا ۲۶ سوره مبارکه نازعات را با دقت مطالعه کنید و با

مقایسه با آیات درس هر قسمت آن را توضیح دهید.

-۶۸-

درس سیزدهم چهارمین شریعت الهی

در این درس آشنا می شویم با :

- ۱ - زندگی خاّر العاده حضرت عیسی (علیه السلام) از آغاز تا انجام.
- ۲ - شباهت رسالت حضرت عیسی با سایر پیامبران الهی.
- ۳ - تأکید حضرت عیسی (علیه السلام) بر بندگی در پیشگاه خداوند در مقابل غلوّ برخی از پیروان.

-۶۹-

بیان آیات

آیتی الهی و پیامبری بزرگ

پس از حضرت موسی (علیه السلام) پیامبران بسیاری در میان بنی اسرائیل مبعوث شدند. قرآن کریم جمعی از آنان را نام برده و داستان برخی را بازگو نموده است.

حضرت زکریا (علیه السلام) که از پیامبران بنی اسرائیل بود، سرپرستی حضرت مریم را بر عهده داشت. مریم دختر عمران، همان بانوی پاک و با فضیلتی است که از آغاز، عمر خویش را در معبد سپری می کرد و بعد مادر عیسی (علیه السلام) - پیامبر صاحب شریعت - شد. مریم (علیها السلام) در عبادت پروردگار خویش محو شده بود و در هنگام غذا، مائده آسمانی بر او نازل می گشت و همواره در ذکر و یاد خدا بود.

فرشتگان به مریم اعلام کرده بودند:

« ای مریم، خداوند به تو بشارت می دهد که يك انسانی الهی
فرزند تو خواهد شد. نام او عیسی است و در دنیا و آخرت

آبرومند است، او از مقربان درگاه خداوند است. « (۱)

يك روز که حضرت مریم در سمت شرقی بیت المقدس، به دور از چشم دیگران و در پس پرده و حجابی قرار داشت، وعده الهی در مورد او عملی گشت. روح القدس، سر خیل فرشتگان و الامقام، از عالم ربوبی گسیل شد و در مقابل مریم به صورت انسانی آراسته پدیدار گشت. مریم (علیها السلام) که سخت مضطرب شده بود گفت: از تو به خدای رحمان پناه می برم، تو اگر خدا ترس و با تقوا باشی، نام خدا را پاس خواهی داشت. روح قدسی گفت: من فقط فرستاده پروردگار تو هستم، مرا فرستاده تا پسری پاکیزه به تو عطا کنم. مریم (علیها السلام) پرسید: چطور می شود

- آل عمران ۴۵

-۷۰-

من پسری دارا شوم؟ در حالی که من همسری انتخاب نکرده ام، و من هرگز به بیراهه نرفته ام! روح قدسی گفت: (فرمان خداوند) چنین است (که تو بدون همسر دارای فرزند شوی). پروردگارت فرموده است: این امر بر من آسان است، ما عیسی را آیتی الهی برای مردم قرار می دهیم. (۱)
پیش آن کو خالق این عالم است***خلق عیسی مثل خلق آدم است
مولوی

به این ترتیب حضرت مریم با معجزه الهی به عیسی باردار شد و چون نگران سخن پراکنی های مردم بود، چاره را در این دید که خلوت گزیند، راه خویش به سوی مکانی دور در پیش گرفت و رفت. چیزی نگذشت که نزدیکی تولد فرزند را احساس کرد. تك درخت خرمايي يافت و به کنار آن رفت تا تکیه گاهی داشته باشد. با خود گفت: ای کاش پیش از این ماجرا مرده بودم و نامم از خاطره ها رفته بود.

عیسی بن مریم (علیه السلام) چشم به جهان گشود، و بی درنگ با مادر سخن گفت:

«مادر! اندوهگین مباش. بنگر که پروردگارت در زیر پایت، چشمه ساری را جاری ساخته و شاخه های بالای سرت از خرما پر گشته است. آنها را به سمت خود تکان ده تا خرماى تازه فروریزد. از آن بخور و از آب چشمه بنوش و چشم خویش بر وجود فرزندی این چنین روشن دار ... مریم (علیها السلام) فرزند خویش را بر روی دست گرفت و به سوی قوم خویش روانه شد. چون مورد اعتراض و سؤال قرار گرفت، بدون آن که سخنی بگوید، با دست به سوی کودک اشاره کرد که هر حرفی

- مریم ۱۶ تا ۲۱

-۷۱-

دارید از خود او بپرسید. گفتند: با بچه ای در گاهواره چه سخنی بگوییم. عیسی (علیه السلام) خود زبان به سخن گشود و گفت: من بنده خدایم، خدایم به من کتاب عطا فرموده و مرا پیامبر گردانیده و وجودم را در هر کجا که باشم فرخنده و مبارک ساخته است. مرا تا زنده باشم به نماز و زکات سفارش فرموده، مایه نیکی برای مادرم قرار داده و مرا شقی و سرکش نگردانیده است. درود بر من در آن روز که زاده شدم، و آن روز که بمیرم و

روزی که زنده مبعوث گردم.

«این است سرگذشت عیسی بن مریم، سخن حقی که در آن

شك می کنند. برای خدا شایسته نیست که فرزندی برگزیند، منزّه است از چنین امری. او برای آنچه اراده کند تنها يك فرمان صادر می کند که « باش » و می شود. « (۱)

حضرت عیسی (علیه السلام) پیامبر خدا به سوی بنی اسرائیل بود. آیتی که وجودش منشأ برکت، نفسش حیات بخش و دستش شفابخش بود. عیسی (علیه السلام) به مردم می گفت:

من با آیتی از پروردگارتان به سوی شما آمدم. از گل مجسمه ای همانند پرندگان می سازم، در آن می دمم، به اذن الهی پرنده ای واقعی می گردد. من با اجازه خدا، کور مادرزاد و شخص مبتلای به پبسی را شفا می بخشم و مردگان را زنده می کنم، و از آنچه در داخل خانه های خویش می خورید و یا می اندوزید به شما خبر می دهم ... من تورات را که پیش از من نازل شده تصدیق می کنم و پاره ای از آنچه را

- مریم ۲۲ تا ۳۵

-۷۲-

که بر شما حرام شده حلال می نمایم. (۱) من آیتی از پروردگارتان را بر شما ارائه می دهم. شما هم تقوای الهی پیشه سازید و از من اطاعت کنید. خداوند پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را پرستش کنید که صراط مستقیم تنها بندگی اوست.

بنی اسرائیل با حضرت عیسی سخت به مخالفت پرداختند، تصمیم به قتل آن حضرت گرفتند و خیال کردند که او را به دار زدند. خداوند وی را از شر کفار نجات بخشید و او را به سوی خود بالا برد. (۲)

بعدها گروهی از پیروان حضرت عیسی درباره او غلو کردند و وی را

پسر

خدا خواندند. قرآن کریم این دسته را کافر می خواند و آنان را به بازگشت به حق دعوت می نماید. قرآن سخن خود عیسی بن مریم را بازگو می کند که، من پیامبر خدا هستم، تورات را که پیش از من نازل شده است تصدیق می کنم و نسبت به آینده بشارت می دهم که پیامبری مبعوث خواهد شد که نامش احمد است. پس، از نظر قرآن کریم حضرت عیسی (علیه السلام) پیامبری است همانند پیامبران قبل و بعد از خود.

— در قرآن کریم آمده است که به خاطر برخی از ظلمهای بنی اسرائیل، پاره ای از چیزهای حلال بر آنها حرام و منع شده بود؛ چه بسا آیه فو در این مورد باشد.

— نساء ۱۵۷ و ۱۵۸

-۷۳-

\$ پرسش

- ۱ - معجزات حضرت عیسی (علیه السلام) چه بوده است؟
- ۲ - حضرت عیسی (علیه السلام) مردم را به چه چیزهایی دعوت می کردند؟
- ۳ - حضرت عیسی (علیه السلام) در گاهواره در مورد خود چه گفتند؟
- ۴ - پیروان حضرت عیسی (علیه السلام) در مورد او چگونه غلو کردند؟
- ۵ - حضرت عیسی (علیه السلام) درباره پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) چه سخنی گفته است؟

G پژوهش

- ۱ - آیات ۱۶ تا ۳۶ سوره مریم را با دقت مطالعه نمایید و مطالب درس را با آن مقایسه کنید.
- ۲ - با مراجعه به معجم بررسی نمایید که آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ» از زبان حضرت عیسی چند بار در قرآن کریم آمده است و چه نتیجه ای از آن گرفته می شود؟

-۷۴-

درس چهاردهم

ویژگیهای قوم بنی اسرائیل

در این درس آشنا می شویم با :

- ۱ - عنایات الهی بر قوم بنی اسرائیل
- ۲ - رفتار ناشایست این قوم در برخورد با پیامبران الهی
- ۳ - پیش بینی قرآن کریم در مورد فساد بنی اسرائیل و سرنوشت آنان.

-۷۵-

بیان آیات

از میان بنی اسرائیل دو پیامبر صاحب شریعت مبعوث شدند و پیامبران بسیار دیگری نیز از میان آنان به ترویج دین الهی پرداختند. متأسفانه بسیاری از مردم این قوم سپاس این نعمت را به جای نیاوردند و با پیامبران الهی ناسازگاری کردند. حضرت موسی (علیه السلام) را که نجات بخش آنان بود پیوسته آزار می دادند و در راه او ایجاد مشکل می کردند تا آنجا که حضرت موسی خطاب به آنان فرمود:

« ای قوم! چرا مرا آزار می دهید، با آن که می دانید من رسول

خدا به سوی شما هستم. » (۱)

قرآن کریم به مسلمانان خطاب می کند که :

« ای مؤمنان! همچون کسانی نباشید که موسی را آزرده، ولی

خداوند او را از سخنان ناروای آنان بر کنار داشت. » (۲)

این قوم، با پیامبر بزرگ الهی، عیسی بن مریم، که شریعت الهی را بر

آن

عرضه داشت نیز بر خوردی ناروا داشتند، تا آنجا که کمر به قتل او بستند.

هنگامی که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) وارد مدینه شدند، این قوم با ایجاد مشکلات به آزار پیامبر اکرم پرداختند و با آن که نشانه‌ها و مشخصات پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) را در کتابهای آسمانی خویش خوانده بودند - و چنان او را می شناختند که فرزندان خویش را می شناختند (۳) - پیامبری آن حضرت را انکار کردند. آنان با بهانه‌ها و اشکال تراشی‌ها، به شیوه‌های گوناگون با پیامبر اکرم و اسلام، مخالفان و دشمنی ورزیدند.

—
- صف ۵

- احزاب ۶۹

- بقره ۱۴۶ و انعام ۲۰

-۷۶-

قرآن کریم در معرفی این قوم، به بیان پاره‌ای از نقطه ضعف‌های آنان می پردازد و به رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان اعلام می دارد که این قوم همین رفتار را با پیامبران خویش نیز داشته‌اند. در اینجا به برخی از آنها اشاره می کنیم.

۱ - کوتاه اندیشی

از حضرت موسی خواستند که آشکارا خدا را به آنها نشان دهد، در نتیجه دچار صاعقه گشتند. (۱)

۲ - بت پرستی

حضرت موسی (علیه السلام) گاهی برای مناجات و راز و نیاز با خداوند به کوه طور می رفتند. يك بار به دنبال دعوت الهی، مقرر شد که مدت سی روز در آنجا بمانند. این خلوت موسی با خدای رحمان، با افزایش ده روز به

چهل روز رسید. (۲) در این مدت قوم موسی از او بی خبر ماندند. طولانی شدن مدت غیبت موسای کلیم موجب گشت قوم او تصور کنند که موسی از دنیا رفته است. در میان این قوم فردی به نام سامری با جمع آوری طلا و وسایل زینتی، پیکره گوساله ای را ساخت و نیرنگی به کار بست که از آن پیکر، صدایی چون صدای گوساله برمی خاست. (۳) قوم موسی گرد گوساله را گرفتند و به پرستش آن پرداختند. (۴) به این ترتیب از مسیر توحید منحرف گشتند و به شرک گراییدند.

—
- بقره ۵۵

- اعراف ۱۴۲

- البته قرآن کریم و روایات، درباره کیفیت ساخت این گوساله بیانی دارند، می توانید با مراجعه به

تفسیر آیه ۹۶ سوره طه آن را بررسی کنید.

- اعراف ۱۴۸ و طه ۸۸

-۷۷-

۳ - خدعه و مکر برای سرپیچی از فرمان خداوند

روزهای شنبه، صید بر بنی اسرائیل حرام شد. قریه ای از بنی اسرائیل در کنار دریا بود. خداوند آنها را مورد آزمون قرار داد. روزهای شنبه ماهیها به فراوانی بر آب ظاهر می شدند و در غیر شنبه نمی آمدند. آنها فرمان خداوند را زیر پا گذاشتند و با حیلت و مکر به صید پرداختند. روز شنبه ماهیها را در حوضچه هایی حبس می کردند و روز بعد از آب می گرفتند. این عمل موجب عقوبت آنها گشت. (۱)

۴ - پیمان شکنی

این قوم بارها پیمان الهی را نقض کردند، برخی از انبیاء را کشتند، بر حضرت مریم (علیها السلام) تهمتی بزرگ زدند، به رباخواری پرداختند، با آنکه از آن نهی شده بودند، اموال مردم را بر باطل می خوردند و . . . (۲)

۵ - کفران نعمت و بهانه جویی

قرآن کریم نعمتهای بسیاری را که خداوند بر بنی اسرائیل ارزانی داشته است بر می شمارد. اما این قوم معمولاً شکرگزار این نعمتها نبودند و هر زمان با بهانه های مختلفی از اطاعت خداوند و پیامبر خود سرباز می زدند، داستان زیر نمونه ای از این ناسپاسی ها و قدرناشناسی هاست.

در زمانی که بنی اسرائیل مشکلاتی از نظر غذا و مسکن داشتند، خداوند رحمان لطف خاصی را شامل حال آنها کرد. ابر را بالای سرشان سایبان قرار داد و غذایی آماده برایشان فرو فرستاد؛ بنی اسرائیل به جای سپاس از خداوند، نزد موسی شکوه بردند که ما نمی توانیم تنها با يك نوع غذا که از آسمان نازل می شود

- اعراف ۱۶۳

- نساء ۱۵۵، ۱۵۶ و ۱۶۱

-۷۸-

بسازیم. ای موسی از پروردگارت بخواه که از زمین، انواع سبزیها، خیار، سیر، عدس و پیاز برای ما بپویاند. حضرت موسی (علیه السلام) با تعجب به آنان فرمود: آیا شما می خواهید نعمتی برتر را با چیزی پست تر عوض کنید؟! حال که این چنین است به شهری وارد شوید که خواسته های شما در آن است... (۱)

مولوی در این باره چنین گفته است :

از خدا جویم توفیق ادب *** بی ادب محروم ماند از لطف رب

بی ادب تنها نه خود را داشت بد *** بلکه آتش در همه آفازد
 مائده از آسمان در می رسید *** بی شیری و بیع و بی گفت و شنید
 در میان قوم موسی چند کس *** بی ادب گفتند کو سیر و عدس
 منقطع شد خوان و نان از آسمان *** مانند رنج زرع و بیل و داسمان
 * * *

آری مؤمنان صالح در میان بنی اسرائیل اندک بودند و همین ویژگیها موجب شد تا به پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) ایمان نیاورند. تنها يك دسته از آنان به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و قرآن گرویدند. قرآن کریم از این دسته به عنوان راسخان در علم یاد می کند. همانها که نماز می خوانند و زکات می پردازند و به خدا و قیامت ایمان دارند. خدای مٔان به این دسته از اهل کتاب که به حقانیت اسلام ایمان آوردند و عده پاداش بزرگی داده است.

قوم بنی اسرائیل در طول تاریخ، از این شرارتها جدا نبوده اند. نمونه روشن آن، در زمان حاضر، فسادی است که این قوم در سرزمین قدس به راه انداخته و با ظلم و ستم فراوان موجب تباهی حرث و نسل گشته اند.

— بقره آیات ۵۷ تا ۶۱

-۷۹-

قرآن کریم در سوره بنی اسرائیل در بیان شرارت این قوم، دو فساد بزرگ را پیش بینی نموده است و آنچنان که از قرائن آیات استفاده می شود، این دو فساد در ارتباط با مسلمانان است. این قوم در هر دوبار به کشتار و تباهی دست می زنند؛ اما خوشبختانه دومین فساد بنی اسرائیل، که مورد پیش بینی قرآن کریم است، در آینده، در زمانی است که به دنبال آن مسلمانان به پیروزی کامل دست می یابند و آنها را روسیاه می کنند و اوضاع آنان را

واژگون می سازند و مسجد قدس را از دستشان بیرون می آورند.

\$ پرسش

- ۱ - قوم بنی اسرائیل با حضرت موسی چه برخوردی داشتند؟
- ۲ - مسأله صید ماهی در بنی اسرائیل چه بود و چه نتیجه ای برای آنها به بار آورد؟
- ۳ - بنی اسرائیل در غیبت ۴۰ روزه حضرت موسی چه کردند؟
- ۴ - رفتار یهود بنی اسرائیل با رسول خدا (صلی الله علیه و آله) چگونه بود؟
- ۵ - قرآن کریم چه فسادهایی را برای آنها پیش بینی نموده و چه نتیجه ای را اعلام کرده است؟

G پژوهش

- ۱ - در سوره بقره آیاتی را که با خطاب به بنی اسرائیل شروع می شود مشخص کنید و آنها را با هم مقایسه کرده و نتیجه گیری نمایید.
- ۲ - دو آیه ۲۳ و ۲۴ سوره آل عمران را درباره بنی اسرائیل مورد دقت قرار داده، نکات قابل توجه آن را ذکر کنید.

-۸۰-

درس پانزدهم هدف ارسال پیامبران

در این درس آشنا می شویم با :

- ۱ - وحدت دعوت انبیاء (علیهم السلام) در طول تاریخ.
- ۲ - اهداف اصلی ارسال پیامبران (توحید و عبادت خداوند، هشدار به آخرت، بر پایی عدالت)
- ۳ - ضرورت ارسال پیامبران

-۸۱-

بیان آیات

همه شرایع و ادیان الهی دارای اصول و مقصد واحدی بوده و همه پیامبران الهی بر يك راه رفته اند. از میان انبیای الهی، قرآن کریم نام تعدادی را ذکر نموده و هدف از ارسال آنان را یکی می داند و از مردم خواسته است که به دعوت یگانه همه پیامبران ایمان آورند؛ یعنی به خدا و به آنچه بر آخرین پیامبر الهی و پیامبران پیشین نازل شده است، ایمان آورده و بین هیچ يك از آنان تفاوتی نگذاشته و تسلیم خداوند باشند. (۱)

قرآن کریم پیامبران الهی را در آیاتی با عبارت «رُسُلًا مُبَشِّرِينَ وَ مُنذِرِينَ» توصیف نموده و در آیاتی دیگر اهداف رسالت آنان را با تفصیل بیشتری در قالب سه هدف روشن بیان کرده است. اول آن که پیامبران مبعوث شده اند تا راه بندگی خدا را به مردم بیاموزند و آنان را از شرک و طاغوت دور سازند؛ دیگر آن که آنها را نسبت به رستاخیز بزرگ الهی و زندگی در جهان آخرت هشدار داده و آماده کنند؛ و سوم آن که معیار و میزان قسط و عدالت را به جامعه بشری ارزانی دارند.

از این رو بدون پیروی از پیامبران نه راه بندگی خدا و رشد و تعالی بر

بشر روشن خواهد بود، نه سعادت ابدی او تضمین می شود و نه حتی در زندگی دنیا عدالت برقرار خواهد شد.

قرآن کریم می فرماید: اگر پیامبران از جانب خداوند برای هدایت نمی آمدند، مردم می توانستند علیه خدای رحمان حجت و دلیل داشته باشند و بگویند:

« پروردگارا! چرا پیش از آن که ما گمراه شویم و طعم خواری

و

- آیه ۱۳۶ سوره بقره

-۸۲-

زبونی را بچشیم، برای هشدار ما پیامبری نفرستادی تا آیات تو را بر ما ارائه دهد و با پیروی از آن در مسیر حق گام نهیم؟! «
(۱)

از این رو خدای سبحان با ارسال پیامبران، حجت خود را بر بشریت تمام نموده و با ارائه شریعتهای آسمانی راه سعادت را بر روی آنان گشوده است. این نکته خود ضرورت وجود این راهنمایان الهی را روشن می سازد. این شریعتها به اسلام پایان یافته و سلسله انبیای الهی به پیامبر اسلام ختم شده است. قرآن کریم نیز آخرین کتاب آسمانی است و خدای رحمان و فرشتگان بر حقانیت آن گواهند. (۲)

ایمان به پیامبران الهی، موجب خیر و سعادت انسان در دو جهان است. قرآن کریم پس از بیان ضرورت وجود انبیاء و اتمام حجت الهی، همگی انسانها را مورد خطاب قرار می دهد و می فرماید ای مردم، این رسول الهی - پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) - با معیار حق به نزد شما آمده است. بدو

ایمان آورید که خیر شما در آن نهفته است. صلاح و سعادت دنیا و آخرت شما در گرو آن است. اگر هم بدو کفر ورزید بدانید که ضرری متوجه خدای بزرگ نمی شود. همه آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست.

گر جمله کائنات کافر گردند *** بر دامن کبریاش ننشیند گرد
این شما هستید که زیان می برید و موهبتی الهی را از کف می نهد. این را هم بدانید که خدا دانا و حکیم است و قرآنی که از سوی اوست جز علم و حکمت و حقیقت نیست. (۳)

— طه ۱۳۴

— نساء ۱۶۶

— نساء ۱۷۰

-۸۳-

اراده الهی بر آن است که این دین آخرین را بر همه جهان سایه گستر سازد و بر تحقق این امر، جامعه انسانی را به آینده روشنی نوید داده است. امید آن داریم ه زمان این وعده نزدیک باشد؛ آن قدر نزدیک که ما تا چشم به این جهان داریم شاهد برپایی آن باشیم.

\$ پرسش

- ۱ - با توجه به آیات سوره نساء که در درس آمده است، قرآن حکمت ارسال پیامبران را چه می داند؟
- ۲ - قرآن کریم چه اهدافی را برای ارسال پیامبران ذکر نموده است؟
- ۳ - در آیات درس، خداوند رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) را

با چه صفاتی توصیف کرده است؟

G پژوهش

- ۱ - در قرآن کریم نام چند پیامبر آمده است؟ آیا می‌توانید آنها را نام ببرید. (به سوره مریم، شعرا، انبیاء و نحل مراجعه نمایید).
- ۲ - با مراجعه به معجم المفهرس در ذیل عبارت «ارسلناک»، صفاتی را که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با آنها توصیف شده‌اند برشمارید. صفات جدیدی را که یافته‌اید مشخص کنید.

-۸۴-

درس شانزدهم

درس‌هایی از مکتب پیامبران

در این درس آشنا می‌شویم با :

- ۱ - ویژگی‌های تعالیم قرآن کریم.
- ۲ - چگونگی ایمان آوردن مردم مدینه به اسلام.
- ۳ - ده دستور مهم فردی و اجتماعی قرآن - که در کتابهای آسمانی قبل نیز سابقه داشته است - برای دستیابی به حیات طیب در دنیا و آخرت.

-۸۵-

بیان آیات

خدای رحمان پیامبران خویش را گسیل داشت تا با ادامه برنامه تربیتی بر پایه شریعت الهی، قافله بشریت را به سر منزل رشد و فلاح رهنمون شوند. رهنمودهای شریعت به منزله درس‌هایی است که در جان آدمیان ریشه دارد و هماهنگ با فطرت آنان است و در جهت تأمین سعادت دنیوی و فلاح اخروی

و

تعالی معنوی انسان تنظیم گشته است. در تعالیم پیامبران شیوه عبادت خداوند

و

توجه به حیات طیب در دنیا و آخرت و در حقیقت همه نیازهای انسان، در کنار هم مورد نظر قرار می‌گیرد.

در قرآن کریم - سر آمد و پایان بخش کتب آسمانی - این شیوه به خوبی مشهود است. هماهنگی با فطرت و جامعیت در بیان مطلب از ویژگی‌های خاص این کتاب عظیم الهی است. جاذبه و حلاوت در شیوه بیان و محتوای مطالب قرآن، بدان حد است که منشأ تحولاتی شگفت در تاریخ اسلام شده است. داستان زیر - در مورد آیات درس - نمونه ای از آن است.

دو نفر از طایفه خَزْرَج، از مردم مدینه به مکه آمدند. این دو که «أسعد» «ذکوان» نام داشتند به خانه یکی از بزرگان قریش به نام «عُتْبَة بن رَبِیعَه» وارد شدند. علت این سفر آن بود که در آخرین جنگ، بین دو طایفه اوس و خزرج، که دشمنی دیرینه داشتند، طایفه اوس غالب شده بود. آن دو نفر به عتبه گفتند: ما برای هم پیمانی با شما علیه طایفه رقیب خود - اوس - به این جا آمده ایم. عتبه در پاسخ گفت: در حال حاضر گرفتاری سختی داریم که ما را به خود مشغول کرده است!

اسعد با تعجب پرسید: شما گرفتاری دارید؟! شما که در حرم امن الهی هستید؟! عتبه گفت: آری، فردی در میان ما ادعای پیامبری دارد، جوانان ما را به

-۸۶-

انحراف کشانده و اجتماع ما را پراکنده ساخته است. اسعد گفت: او چه نسبتی با شما دارد؟ عتبه گفت: او از خاندانی شریف

و

فرزند عبدالمطلب است.

اسعد به خاطر آورد که یهود مدینه از نزدیک بودن ظهور پیامبری خبر می دادند. با کنجکاوی پرسید: او کجاست؟ عتبه گفت: در حجر اسماعیل، کنار خانه خدا، مبادا به سخنان او گوش فرادهی. او ساحر عجیبی است! با توصیه عتبه، اسعد در گوشهای خود پنبه گذاشت تا در هنگام طواف صدای رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) را نشنود، ولی در حال طواف، با خود گفت این چه کار احمقانه ای است؟! پنبه را از گوش خویش در آورد و در مقابل پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) - در حجر اسماعیل - نشست و پرسید: به چه چیز دعوت می کنی؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: شما را دعوت می کنم که به یگانگی خدا و پیامبری من شهادت دهید و این که چه کارهایی بکنید و چه کارهایی نکنید! آنگاه رسول خدا سه آیه از قرآن کریم -

آیات درس - را خواندند. اسعد با شنیدن این آیات نورانی یکباره دگرگون شد و با ادای شهادتین، اسلام خویش را اعلام نمود. او اظهار امیدواری کرد که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) به مدینه هجرت کند و میان طوایف مختلف برادری برقرار سازد، تا آنچه که یهود مدینه از کتابهای آسمانی خود خبر داده بودند تحقق یابد. پس از اسعد، «ذکوان» نیز مسلمان شد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به درخواست این دو، مُصعب بن عمیر را همراه آنان به مدینه فرستاد. از آن زمان به تدریج اسلام در مدینه گسترش و رشد یافت و چهره این شهر را دگرگون ساخت. (۱)

در این آیات شریفه، ده فرمان تربیتی در زمینه مسائل اجتماعی و فردی صادر شده است. هر يك از این رهنمودها، فصل خاصی را شامل می شود که نیاز به

- تفسیر نمونه ج ۶ ص ۳۸ -

-۸۷-

تبیین و بررسی بیشتری دارد.

۱ - نفی شرك نسبت به ذات ربوبی؛ فرمان این است که هیچ چیز را با خدا شريك مسازید.

این مطلب اولین و بهترین درس مکتب انبیاء الهی است. نفی شرك از نپرستیدن بتها و نفی خدایان ساختگی شروع می شود و به مراحل والای حرکت به سوی خدای سبحان می رسد تا آنجا که از قرآن کریم می آموزیم در اعتقاد و اندیشه تنها خدا را منشأ همه ارزشها بدانیم، در دل بستگی و محبت قلب خویش را فقط بدو بسپاریم، در انتخاب راه، هدف اصلی خویش را رضا و نزدیکی به او قرار دهیم و بالاخره اعمال و رفتار خویش را تنها در جهت بندگی و رضای او شکل دهیم.

۲ - نیکی به پدر و مادر؛ قرآن کریم در این آیات و در مواردی دیگر پس از دستور به پرهیز از شرک به خدای یکتا، بر احسان به پدر و مادر فرمان می‌دهد و این خود اهمیت و ارزش والای پدر و مادر را می‌رساند. می‌دانیم که احسان کاری فراتر از عدل است. زیرا عدل رساندن حق به صاحب آن است، در حالی که احسان خدمت به دیگری است بدون آن که حقی در بین باشد. قرآن کریم احسان و خدمت به پدر و مادر را وظیفه فرزند می‌داند.

۳ - پرورش و نگهداری فرزندان؛ قرآن کریم پدر و مادر را مسئول نگهداری فرزندان می‌داند و هشدار می‌دهد که، مبادا به خاطر مشکلات اقتصادی موجب مرگ فرزند خویش شوند، یا مراقبت‌های لازم را از آنها به عمل نیاورند که خداوند خود عهده دار روزی والدین و فرزندان آنهاست.

۴ - پرهیز از اعمال ناپسند؛ این فرمان از چنان اهمیتی برخوردار است که قرآن می‌فرماید حتی از نزدیک شدن به فحشاء و زشتی بپرهیزید. این نهی همه اعمال زشت را شامل می‌شود؛ چه زشتیهایی که در اجتماع ظهور می‌یابد و چه آنها

-۸۸-

که در خلوت و به دور از چشم دیگران صورت می‌گیرد. فرمان قرآن به مؤمنان این است که در نهان و آشکار از نزدیک شدن به کردارهای ناپسند پرهیز نمایند.

۵ - حفظ حرمت جان انسان؛ قرآن کریم در حراست از حریم افراد اجتماع با قاطعیت تمام فرمان می‌دهد و این حفظ حریم را از جان مردم آغاز می‌کند. فرمان این است که جز در موارد حق - مانند قصاص و یا جهاد در راه خدا - به هیچ عنوان به جان کسی تعرض نشود؛ تا آنجا که، در آیه‌ای دیگر تعرض به جان مؤمن و قتل نفس را موجب خلود در جهنم می‌داند. (۱)

۶ - مراعات و دقت در حفظ مال یتیم؛ پس از حرمت نهادن بر جان

انسانها حرمت مال آنان را مطرح می سازد و این مسأله را از مال یتیمان که اهمیت بیشتری دارد آغاز می نماید. فرمان قرآن این است که از نزدیک شدن به مال یتیمان پرهیز کنید مگر در صورتی که نفع آنها را در نظر داشته باشید. آری، در مال یتیم جز افرادی که مسئولیت شرعی دارند نباید دخالت کنند و فرد مسئول هم باید به بهترین وجهی که منافع یتیم تأمین می شود عمل کند، تا آنگاه که او خود به سن رشد برسد و مالش را بدو بسپارند.

۷ - پرداخت کامل در معاملات؛ قرآن کریم، پس از سفارش در مورد اموال یتیمان، به پرداخت کامل حق دیگران در معاملات و رعایت عدالت در مسائل اقتصادی سفارش می کند و می فرماید تا آنجا که در توان دارید حقوق دیگران را رعایت کنید.

۸ - عدالت در گفتار؛ حرمت آبرو و حیثیت دیگران بسیار مورد توجه قرآن است تا آنجا که می فرماید هر گاه به سخن می نشینید و در مقام شهادت یا اظهار نظر

- نساء ۹۳

-۸۹-

درباره دیگران هستید، عدالت را رعایت کنید، هر چند که پای نزدیکان شما در میان باشد. مبادا به خاطر نزدیکان خود مرز عدالت را بشکنید و از حریم حق تجاوز نمایید.

۹ - وفای به عهد الهی؛ فرمانهای خداوند در آیات فوق از مسأله اخلاص

در

پیشگاه ربوبی و نفی شرك آغاز گشته و در پایان هم به پایبندی عملی نسبت به دستورات الهی و وفاداری به عهد و پیمانهای ایمانی با خدای سبحان امر شده

است.

۱۰ - پیروی از صراط مستقیم بندگی خدای رحمان در میان همه راهها؛ آخرین سخن و دهمین فرمان، تأکید بر استمرار ره پویی در صراط مستقیم الهی است. باتوجه به این که در خود قرآن کریم صراط مستقیم، به بندگی خدا تفسیر شده است، (۱) محتوای فرمان این خواهد بود که همواره در مسیر بندگی خدای رحمان گام بردارید و از پیمودن هر راهی که با بندگی خداوند مغایر است بپرهیزید، زیرا که در این صورت از صراط مستقیم منحرف شده اید.

این فرامین را قرآن کریم به این جمله مؤکد می سازد :
 « اینهاست که خدا به شما سفارش می کند باشد که تقوا پیشه سازید »

این دستورات قرآن کریم اصولی است در جهت سعادت انسان که در تعالیم ادیان الهی پیش از اسلام نیز سابقه داشته است، و چه بسا ده فرمان حضرت موسی (علیه السلام) بر مبنای همین اصول بوده است.

- یس ۶۱

-۹۰-

\$ پرسش

- ۱ - تعالیم قرآن کریم دارای چه ویژگیهایی است ؟
- ۲ - دو نفر از قبیله خزرج برای چه به مکه آمده بودند ؟ با چه کسی ملاقات کردند ؟ او به آنها چه سفارشی کرد ؟ نتیجه سفر آنها چه بود ؟
- ۳ - دستورات قرآن برای دستیابی به حیات طیّب چیست ؟

G پژوهش

- ۱ - با مراجعه به آیاتی که درباره « صراط مستقیم » است، توضیح دهید که قرآن صراط مستقیم را چه می داند؟
- ۲ - آیات ۲۳ تا ۳۹ سوره بنی اسرائیل را با دقت مطالعه نمایید و با آیات درس مقایسه کنید و توضیح دهید:
 - الف - چند فرمان مشترك در آنها وجود دارد؟
 - ب - چه فرمانهای غیر مشتركی در آنهاست؟
 - ج - در سوره اسراء (بنی اسرائیل) در خصوص پدر و مادر چه سفارشهایی شده است؟

-۹۱-

درس هفدهم

آخرین شریعت و اصلاح جهانی

در این درس آشنا می شویم با :

- ۱ - جایگاه و اهمیت هدایت الهی و رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در برابر سایر نعمتهای خداوند.
- ۲ - انحطاط مردم در دوران جاهلیت و تحول زندگی آنان در سایه رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله).
- ۳ - نقش ایمان و تقوا در تبدیل دشمنی و تفرقه به الفت و برادری.
- ۴ - تصویر قرآن کریم از فرد و جامعه اسلامی و آینده آن.

-۹۲-

بیان آیات

نعمتهای الهی بر بندگان او بسیار زیاد است، آن قدر که اگر افراد بشر بخواهند به شمارش آنها بپردازند از عهده بر نیایند. (۱) خدای رحمان از میان تمامی نعمتها تنها در يك چیز - آن هم فقط بر بندگان مؤمن خویش - منت گذارده است و آن بعثت پیامبر اسلام است. خدای مٲان با تأکید فراوان بر مؤمنان منت می گذارد که از میان آنان پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را به رسالت برانگیخته است، تا او آیات الهی را بر مردم بخواند و آنها را پاکیزه سازد و کتاب و حکمت را به ایشان بیاموزد و ضلالتها را از صحنه زندگی آنان محو سازد.

قرآن کریم به مسلمانان دستور می دهد که حریم توحیدی را پاس دارند و در پیشگاه ربوبی تقوا پیشه سازند و همگان به این ریسمان الهی چنگ زنند و راه تفرقه نپویند. سفارش می کند که نعمتهای الهی را که با نزول قرآن بر آنان

ارزانی شده به یاد آورند و فراموش نکنند که پیشتر در دشمنی با یکدیگر روزگار می گذراندند، و با این نعمت الهی - رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و قرآن کریم - بود که دشمنی آنان به برادری تبدیل شد. به یاد آورند که در لبه پرتگاه بودند، پرتگاهی به حفره آتش، خدایشان به برکت همین نعمت نجاتشان بخشید.

تاریخ از دشمنیهای اعراب با یکدیگر و کینه توزیهای آنها در عصر جاهلیت به تفصیل سخن گفته است. پیش از ظهور اسلام، بیشتر کشورها و سرزمینها وضعیتی بی سامان داشتند. کشورهای قدرتمند آن روزگار، در آتش ستم حاکمان و اختلاف طبقاتی می سوختند و قشر ضعیف جامعه در محرومیت و فشار شدید به سر می بردند، تا آنجا که دربارہ ایران باستان نوشته اند که حتی تحصیل علم، ویژه

— وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصَوْنَهَا إِبْرَاهِيمَ ۳۴

-۹۳-

گروه خاصی بود و عموم مردم از حق فرآگیری دانش محروم بودند. در سرزمین حجاز بی سامانی در اوج خود بود، مردم این سرزمین بیشتر به صورت قبیله ای زندگی می کردند و روزگار را از طریق غارت و چپاول می گذراندند. از این رو دشمنی و جنگ و کشتار در میان قبیله ها امری طبیعی بود. انحطاط تا بدان حد بود که کاخ افتخارات خود را بر پایه قتل و غارتهای پدران و گذشتگان خویش بنا می ساختند.

« اوس » و « خَزْرَج » دو طایفه از مردم مدینه بودند که بیش از يك قرن با یکدیگر دشمنی داشتند. هیچ کدام از دست دیگری آرام و قرار نداشت، تا این که خداوند به برکت قرآن و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بین آنان الفت و برادری برقرار نمود.

نزول قرآن نه تنها بینش صحیح و اعتقاد و ایمان به حقیقت را بر مردم ارزانی داشت بلکه فرهنگ اجتماعی آنان را نیز کاملاً تغییر داد. ملتی که در نهایت درجه سقوط و انحطاط بود، به چنان عزت و عظمتی دست یافت که خود راهگشای سعادت برای دیگر ملتها شد. شعارشان این بود که ما به سرزمین های دیگر می رویم تا اندیشه توحیدی اسلام را بدانان برسانیم.

لِيُخْرِجَ الْعِبَادَ مِنَ عِبَادَةِ الْعِبَادِ إِلَى عِبَادَةِ اللَّهِ وَ

... (۱)

جامعه اسلامی به حقیقت چهره ای ممتاز دارد. روابط مردم در آن از روی مهر و صمیمیت است، و رحمت و محبت بر آن حاکم می باشد. تفکر مردم در این جامعه توحیدی است و فرهنگ اجتماعی در مسیر تقوا و معنویت است، بدانسان که فضیلتها در آن رشد می کند و رذیلتها از میان می رود. قرآن کریم

— عبارت فو توسط سردار سپاه اسلام به سردار سپاه ایران گفته شده است. سردار سپاه ایران گفت: شما همان ملت نبودید که ...؟ پاسخ داد: آری! اما خداوند با بعثت پیامبر اسلام ما را دگرگون ساخت. پرسید: هدف شما از آمدن به اینجا چیست؟ که پاسخ فو را شنید.

-۹۴-

چهره جامعه اسلامی رابه عنوان همراهان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ترسیم نموده و کیفیت رشد و تکامل آنان را به نمایش گذارده است. در جامعه اسلامی الگوی کامل و شایسته، رسول الله است. (۱) آنان که پیروان واقعی پیامبر هستند در برابر کفار و اهل باطل شدید و استوارند، اما روابط بین خود را بر اساس رحمت و مهر شکل می دهند و با صفا و صمیمیت با یکدیگر برخورد می کنند. خدای خویش را با رکوع و سجود عبادت می کنند، فضل الهی را خواهانند و رضوان او را می جویند، در

چهره آنان اثر خضوع و سجود در پیشگاه ربوبی نمایان است. آنان در رشد و کمال، بر اساس پیروی از برنامه الهی چنان شتابان به پیش می روند که موجب شادی قلب پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می شوند؛ چونان کشتی که از خاک سر بر آورد، رشد نماید، استحکام یابد و بر ساخویش تکیه کند تا آنجا که کشاورزان از چنین رشدی به شگفت آیند. (۲)

ایمان این مؤمنان و پیدایش جامعه توحیدی از چنان اهمیتی برخوردار است که خداوند از پیش، ظهور آنان را در تورات و انجیل نوید داده است. (۳)

— احزاب ۲۱ : لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ.

— فتح ۲۹

— برداشت از همان آیه

— ۹۵—

\$ پرسش

- ۱ - کدام نعمت است که خداوند در ارزانی آن بشر منت گذارده و از آن چه نتیجه ای گرفته می شود؟
- ۲ - وضعیت جامعه حجاز، پیش از ظهور اسلام از نظر فرهنگی و فکری چگونه بوده است؟
- ۳ - در تورات و انجیل چه مثلی برای مؤمنان همراه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمده است؟
- ۴ - وعده مغفرت و اجر عظیم در قرآن برای کدام گروه از مسلمانان است؟
- ۵ - در آیات درس برای پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) سه

وظیفه بیان شده است آنها کدامند؟

G پژوهش

- ۱ - با مراجعه به کتابهای تاریخی مانند خدمات متقابل اسلام و ایران، جهان در عصر بعثت و ... وضعیت اجتماعی و فکری مردم ایران قبل از اسلام را ارزیابی نمایید.
 - ۲ - با مراجعه به تفسیر نمونه در ذیل آیه ۱۰۳ آل عمران، مواردی از انحطاط مردم قبل از اسلام را از زبان مورخان و صاحب نظران بنویسید.
- ۹۶- اگر بعد از فعل مفرد ، فاعل جمع باشد ، فعل نیز جمع معنا می شود.